

سال یازدهم، شماره ۴۲، تابستان ۱۴۰۲، صفحات ۲۲۱-۱۷۳

نقش نهادها و وفور منابع طبیعی بر رابطه نظامی سازی و رشد اقتصادی: مطالعه کشورهای در حال توسعه با معرفی شاخص جهانی نظامی سازی (GMI)

ابوالقاسم گل خندان

دانش آموخته دکتری اقتصاد بخش عمومی

golkhandana@gmail.com

صاحبه محمدیان منصور

استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Sahebemansour@pnu.ac.ir

از دیرباز تا کنون، اثرات اقتصادی مخارج نظامی یکی از موضوعات بحث برانگیز در ادبیات اقتصاد دفاع و صلح بوده است. غالب مطالعات تجربی انجام شده در این زمینه نشان دهنده اثر منفی و یا بی معنای مخارج نظامی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه است. اما مطالعات تجربی جدیدتر نشان می دهند که وجود عوامل خارجی نظیر تهدیدات، وفور منابع طبیعی و نهادهای با کیفیت می تواند به طور غیر مستقیم از طریق مخارج نظامی، رشد اقتصادی را در این کشورها افزایش و اثرات منفی مستقیم مخارج نظامی بر رشد اقتصادی را تا حدی جبران کند. در این راستا مقاله حاضر تلاش کرده است تا نقش کیفیت نهادی و وفور منابع طبیعی را بر رابطه نظامی سازی و رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه طی دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۸ با استفاده از رویکرد داده های پانل پویا مورد بررسی قرار دهد. به این منظور از شاخص جهانی نظامی سازی (GMI) و روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) استفاده شده است. نتایج تجربی نشان می دهد که اثر نظامی سازی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه منفی و معنادار است؛ اما اثر تعاملی کیفیت نهادی و نظامی سازی و همچنین اثر تعاملی وفور منابع طبیعی و نظامی سازی بر رشد اقتصادی این کشورها مثبت و معنادار است. به این معنا که نظامی سازی در کشورهای در حال توسعه در حضور نهادهای خوب و فراوانی منابع طبیعی، می تواند رشد اقتصادی را افزایش دهد. همچنین با تفکیک کشورهای مورد مطالعه به دو دسته کشورها با نهادهای بالنسبه بهتر و ضعیف تر، نشان داده شده است که نظامی سازی از کانال وفور منابع طبیعی، رشد اقتصادی را در کشورهای با نهادهای بالنسبه بهتر، افزایش می دهد؛ در حالی که نظامی سازی از کانال وفور منابع طبیعی، اثر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای با نهادهای بالنسبه ضعیف تر داشته است.

طبقه بندی JEL: H5, O11, Q34

واژگان کلیدی: رشد اقتصادی، شاخص جهانی نظامی سازی (GMI)، نهادها، وفور منابع طبیعی، کشورهای در حال توسعه، روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM).

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۶

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۸

۱. مقدمه

تأثیر مخارج نظامی بر رشد اقتصادی و پاسخ به این سؤال که «آیا مخارج نظامی به فرآیند رشد و توسعه اقتصادی کمک می‌کند یا نه؟» به یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در ادبیات اقتصاد دفاع و صلح تبدیل شده و نتایج مطالعات تجربی انجام‌شده پیرامون این موضوع، ناهمگن و غیرقطعی است (آنیفوسه^۱، ۲۰۱۹). در یک جمع‌بندی کلی، نتایج غالب مطالعات تجربی انجام‌شده بالأخص برای کشورهای درحال توسعه، نشان می‌دهد که هزینه‌های نظامی از لحاظ اقتصادی، عقیم می‌باشند؛ به این معنا که تأثیر این هزینه‌ها بر رشد اقتصادی، بی‌معنا و یا منفی است (دان و تیان^۲، ۲۰۱۵). در این راستا، کمپتون و پترسون^۳ (۲۰۱۶) نشان داده‌اند که تأثیر مخارج نظامی بر رشد اقتصادی، منفی و در بهترین حالت، مقدار این اثرگذاری، صفر است.

با توجه به نکات فوق، بسیاری از اقتصاددانان مسائل دفاعی به منظور توجیه اقتصادی هزینه‌های نظامی، کانال‌ها و اثرات خارجی (غیرمستقیم) این هزینه‌ها که زمینه را برای رشد اقتصادی فراهم می‌کنند و اثرات منفی آن را تقلیل می‌دهند، مورد بحث و بررسی تجربی قرار داده‌اند. مطالعات تجربی آیزمن و گلیک^۴ در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۶، در این زمینه پیشگام است. این محققان نشان داده‌اند که مخارج نظامی به‌تنهایی دارای اثر منفی بر رشد اقتصادی است؛ اما در حضور تهدیدات خارجی، این اثر منفی از لحاظ مقدار، کاهش و در صورت وجود تهدیدات به اندازه کافی بزرگ، رشد اقتصادی حتی می‌تواند از افزایش مخارج نظامی منتفع نیز گردد. به نظر می‌رسد که این تصریح و مدل‌سازی برای بسیاری از کشورهای دنیا (مانند کشورهای درحال توسعه، کم‌درآمد و واردکننده تسلیحات و ادوات نظامی) نسبت به تصریحاتی که در آن‌ها هزینه‌های نظامی از طریق فن‌آوری سطح تولید را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مانند مدل سولوی تعمیم‌یافته)، قابل قبول‌تر و منطقی‌تر است (گل‌خندان، ۱۳۹۸: ۵۲). پیرو این مطالعه، مطالعات تجربی جدیدتر طی سال‌های

1. Anifowose

2. Dunne & Tian

3. Compton & Paterson

4. Aizenman & Glick

گذشته، اثرات هزینه‌های نظامی را بر رشد اقتصادی از کانال‌های دیگر، مانند فساد (دی آگوستینو و همکاران^۱، ۲۰۱۲؛ کمپتون و پترسون، ۲۰۱۶؛ آنیفوسه؛ ۲۰۱۹) و انواع درگیری‌های داخلی، خارجی و ناشی از وفور منابع طبیعی (موسایف^۲، ۲۰۱۶؛ عزیز و اسدالله^۳، ۲۰۱۶) مورد بررسی قرار داده‌اند و نقش تعاملی این عوامل با هزینه‌های نظامی را بر رشد اقتصادی مثبت و مهم ارزیابی کرده‌اند.

در این راستا و ادامه مطالعات تجربی فوق، مقاله حاضر تلاش کرده است تا نقش کیفیت نهادی و وفور منابع طبیعی را بر رابطه نظامی سازی و رشد اقتصادی کشورهای منتخب در حال توسعه طی دوره‌ی زمانی ۲۰۱۸-۲۰۰۰ به صورت تجربی مورد بررسی قرار دهد. به این منظور از شاخص جدید و جامع جهانی نظامی سازی^۴ (GMI) ارائه شده توسط «مرکز بین‌المللی گفت‌وگو بن»^۵ (BICC) به عنوان شاخص هزینه‌های نظامی استفاده شده است. این شاخص در مقایسه با شاخص سنتی و متداول بار نظامی (سهم مخارج نظامی از GDP)، اهمیت مخارج نظامی را در کشورها و مناطق مختلف جهان بهتر منعکس می‌کند. همچنین، شاخص GMI این فرض جامع را که سطح بالای نظامی سازی نامطلوب است و سطح پایین به خودی خود خوب است، از بین می‌برد و به رویکرد جدیدی در مطالعه نظامی سازی کمک می‌کند (دفتر بین‌المللی صلح^۶، ۲۰۱۲).

انتظار بر آن است که نهادهای خوب، فرصت‌های فساد را از طریق هزینه‌های نظامی و ناکارآمدی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سطح و نوع خریدهای نظامی، محدود و رشد اقتصادی را افزایش دهد. منابع طبیعی نیز می‌توانند منشأ تنش و درگیری داخلی و بین‌المللی باشند؛ که این موضوع باعث می‌شود هزینه‌های نظامی به حفاظت از امنیت ملی و منابع طبیعی و در نهایت رشد

1. D'Agostino et al.

2. Musayev

3. Aziz & Asadullah

4. Global Militarization Index

5. Bonn International Center for Conversation

6. International Peace Bureau (IPB)

اقتصادی کمک کند؛ البته مشروط بر اینکه وفور منابع طبیعی با فعالیت‌های فساد بالاتر مرتبط نباشد. چراکه در این صورت با افزایش هزینه‌های نظامی بیهوده و فراتر از سطح بهینه آن، رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. بر این اساس بایستی این نکته را در نظر داشت که کیفیت نهادی می‌تواند در رابطه با نحوه اثرگذاری تعاملی وفور منابع طبیعی و نظامی‌سازی بر رشد اقتصادی نیز نقش مهمی داشته باشد. از طرفی دیگر، عدم برخورد مناسب و منطقی با وفور منابع طبیعی و درآمدهای حاصل از آن ممکن است به پایین آمدن و تضعیف سطح کیفیت نهادی منجر شود. بنابراین ممکن است وفور منابع طبیعی نیز نحوه اثرگذاری تعاملی کیفیت نهادی و نظامی‌سازی بر رشد اقتصادی را دست‌خوش تغییر قرار دهد.

بر اساس این توضیحات، فرضیات اصلی این تحقیق به صورت زیر می‌باشند: الف. اثر تعاملی نهادهای خوب و نظامی‌سازی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه مثبت و معنادار است. ب. اثر تعاملی وفور منابع طبیعی و نظامی‌سازی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه مثبت و معنادار است. ج. میزان اثرگذاری تعاملی وفور منابع طبیعی و نظامی‌سازی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه بر خوردار از کیفیت نهادی بالنسبه بهتر، در قیاس با کشورهای در حال توسعه با نهادهای بالنسبه ضعیف‌تر، متفاوت و معنادار است. د. میزان اثرگذاری تعاملی کیفیت نهادی و نظامی‌سازی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه بر خوردار از منابع طبیعی بالنسبه فراوان‌تر، در قیاس با کشورهای در حال توسعه با منابع طبیعی بالنسبه کمتر، متفاوت و معنادار است. ادامه این مطالعه در بخش‌های ادبیات موضوع؛ معرفی شاخص جهانی نظامی‌سازی (GMI)؛ ارائه مدل و معرفی روش تحقیق؛ یافته‌های تجربی و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری سازمان‌دهی شده است.

۲. ادبیات موضوع

مبانی نظری

مخارج نظامی و رشد اقتصادی

تأثیر مخارج نظامی بر رشد اقتصادی یک بحث دیرینه در ادبیات اقتصاد دفاع و صلح است که به مطالعات تجربی انجام شده توسط بنوا^۱ (۱۹۷۳، ۱۹۷۸) بازمی گردد. وی استدلال می کرد که هزینه های نظامی از طریق فراهم کردن محیط مناسب (امنیت) برای سرمایه گذاری داخلی و بین المللی، تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد. علاوه بر این، مخارج نظامی می تواند با به کارگیری منابع از طریق ایجاد اشتغال، تحقیق و توسعه، ارائه آموزش های حرفه ای و صادرات جنگ افزار به رشد اقتصادی کمک می کند (منلاعلی و دیمیتراکی^۲، ۲۰۱۴؛ منگ و همکاران^۳، ۲۰۱۵؛ ژائو و همکاران^۴، ۲۰۱۵).

در نقطه مقابل، غالب دیدگاه های اقتصادی مخالف افزایش مخارج نظامی، بر مفهوم هزینه فرصت و فرضیه «جایگزینی اسلحه با رفاه»^۵ تأکید دارند و معتقدند که گسترش مخارج نظامی با توجه به محدودیت بودجه دولت، از طریق «اثر جایگزینی جبری»^۶ این مخارج با مخارج غیرنظامی غیرنظامی بخش عمومی (مانند مخارج رفاه اجتماعی و سرمایه انسانی، شامل مخارج آموزشی و مخارج بهداشتی)، باعث کاهش رشد اقتصادی می شود (ییلدریم و همکاران^۷، ۲۰۱۱؛ باونز^۸، ۲۰۱۲؛ فن و همکاران^۹، ۲۰۱۷؛ فطرس و گل خندان، ۱۳۹۸). همچنین، هزینه های نظامی می تواند از طریق افزایش نامطلوب برخی از متغیرهای اقتصادی نظیر مالیات ها (ساندلر و هارتلی^{۱۰}، ۱۹۹۵،

1. Benoit
2. Menla Ali & Dimitraki
3. Meng et al.
4. Zhao et al.
5. Guns Verses Butter Trade Off
6. Crowding Out Effect
7. Yildirim et al.
8. Bauwens
9. Fan et al.
10. Hartley & Sandler

بدهی‌های خارجی (دیمیتراکی و کارتساکلاس^۱، ۲۰۱۸؛ خان و همکاران^۲، ۲۰۲۱) و نابرابری درآمد (ولد-رافائل^۳، ۲۰۱۵؛ بیسکیونه و کاراسو^۴، ۲۰۲۱) رشد اقتصادی را کاهش دهد. به‌طور کلی، تأثیر مخارج نظامی بر رشد اقتصادی بسته به کشور یا نمونه کشورهای مورد مطالعه، دوره زمانی و روش مورد استفاده، ناهمگن و غیرقطعی است (آنیفوسه، ۲۰۱۹). اما برای کشورهای در حال توسعه که در آن‌ها هدف اصلی هزینه‌های نظامی تأمین امنیت است و توجه به این نکته که بیشتر این کشورها دارای صنایع دفاعی نوظهور می‌باشند و هزینه‌های نظامی نمی‌تواند از طریق فن‌آوری، سطح تولید را تحت تأثیر قرار دهد، اثر مستقیم منفی هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی با توجه به اثر جایگزینی جبری قابل انتظار است؛ اما وجود اثرات خارجی و کانال‌های مختلف در رابطه با هزینه‌های نظامی می‌تواند این کشورها را از آثار مثبت غیرمستقیم آن بهره‌مند کند. نهادها و وفور منابع طبیعی دو نمونه از این کانال‌ها می‌باشند که در ادامه نحوه اثرگذاری غیرمستقیم مخارج نظامی بر رشد اقتصادی از کانال این دو متغیر از دیدگاه مبانی نظری تشریح می‌شود.

نهادها، مخارج نظامی و رشد اقتصادی

عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی، در مکاتب مختلف مورد توجه بوده است و در این میان، ظهور موفقیت‌آمیز اقتصاد نهادگرای جدید در دهه ۹۰، رفع موانع نهادی را به‌منظور تسریع رشد اقتصادی مورد تأکید قرار داد. در نظریه نهادگرایی، عوامل سنتی رشد از جمله سرمایه فیزیکی و انسانی، به‌عنوان عوامل سطحی تعیین‌کننده رشد اقتصادی و اصلاح نهادها، به‌عنوان عوامل عمیق یا بنیادین تعیین‌کننده رشد می‌باشند (ندیری و محمدی، ۱۳۹۱). نهادهای باکیفیت (خوب)، چارچوبی را برای فعالیتهای اقتصادی در داخل یک کشور بنا می‌کنند که با شکل دادن یک ساختار

1. Dimitraki & Kartsaklas
2. Khan et al.
3. Wolde-Rufael
4. Biscione & Caruso

انگیزشی، می‌توانند با هدایت اقتصاد به سمت فعالیت‌های مولد، کاهش نااطمینانی و ارتقای همکاری‌های متقابل، بر رشد اقتصادی مؤثر باشند (ییلدریم و همکاران^۱، ۲۰۱۵). در مقابل، نهادهای بی‌کیفیت (بد)، مانعی برای فعالیت‌های اقتصادی می‌باشند و به کاهش رشد اقتصادی منجر می‌گردند (احمدپور کجو و دهمرده، ۱۳۹۸). در زمینه اثر تعاملی نهادها و هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی می‌توان گفت که کیفیت نهادی از طریق محدود نمودن (نهادهای خوب) و یا تشویق کردن هزینه‌های نظامی بیهوده (نهادهای ضعیف)، رشد اقتصادی را متأثر می‌کند (کمپتون و پترسون، ۲۰۱۶). دلایل مختلفی برای توجیه این استدلال وجود دارد:

اول آنکه نهادهای خوب، فرصت‌های فساد ناشی از هزینه‌های نظامی را محدود می‌کند. سطوح بالای فساد به دلیل نهادهای ضعیف، سبب انحراف در تخصیص مخارج بخش عمومی و انتقال مخارج بخش عمومی از سمت بخش‌های محرک رشد اقتصادی مانند آموزش، رفاه اجتماعی و بهداشت به بخش نظامی می‌شود (هاشم^۲، ۲۰۱۴؛ جاکوویچ و درویسزوا^۳، ۲۰۱۵؛ گل‌خندان و صحرانی، ۱۳۹۹). دوم آنکه، نهادهای خوب، با اعمال حاکمیت قانون قوی‌تر و سنن دموکراتیک، نیاز به هزینه‌ها و نیروی‌های نظامی اضافی را برای حفظ قدرت سیاسی یا مقابله با انواع تهدیدات از بین می‌برد (گل‌خندان، ۱۳۹۷). همچنین، دموکراسی بالاتر ناشی از نهادهای باکیفیت، از طریق افزایش پاسخ‌گویی دولت و بهبود کارایی، باعث اولویت‌بندی هزینه‌های اجتماعی مانند رفاه، آموزش و بهداشت نسبت به هزینه‌های نظامی می‌شود (برانر^۴، ۲۰۱۵). سوم آنکه، در حضور نهادهای خوب، با اعمال کنترل‌ها و توازن‌های بیشتر در قدرت اجرایی، خطاها و ناکارآمدی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سطح و نوع خریدهای نظامی محدود می‌شود (کمپتون و پترسون، ۲۰۱۶: ۳۰۴).

1. Yildirim et al.

2. Hashem

3. Jajkowicz & Drobiszová

4. Brauner

با استفاده از مدل ارائه شده توسط بارو (۱۹۹۰) به عنوان یک چارچوب برای تحلیل اثر تعاملی نهادها و هزینه‌های نظامی بر رشد، اقتصادی را در نظر می‌گیریم که در آن خانوارها به دنبال حداکثر کردن ارزش فعلی مطلوبیت خود بر اساس رابطه زیر است:

$$U = \int_0^{\infty} \frac{c^{1-\sigma} - 1}{1-\sigma} e^{-\rho t} dt \quad (۱)$$

که در رابطه فوق، c نشان‌دهنده مصرف، ρ نشان‌دهنده نرخ ترجیح زمانی و σ نشان‌دهنده کشش بین زمانی جایگزینی است. برای سادگی، فرض می‌کنیم که رشد جمعیت وجود ندارد؛ همچنین، تابع تولید را به فرم تابع کاب-داگلاس زیر فرض می‌کنیم:

$$y = Ak^{1-\alpha-\beta}(\theta m)^{\alpha}p^{\beta} \quad \alpha, \beta > 0 \quad 0 < \alpha + \beta < 1 \quad (۲)$$

که در رابطه فوق y به تولید سرانه، A به پارامتر بهره‌وری، k به سرمایه فیزیکی سرانه (نسبت سرمایه به نیروی کار)، p به سرانه مخارج غیرنظامی و m به سرانه مخارج نظامی اشاره دارد. در مدل بارو، پارامتر بهره‌وری A یک مقدار ثابت است و بنابراین برای سادگی فرض می‌کنیم که $A = 1$ و بر این اساس بقیه تجزیه و تحلیل را انجام می‌دهیم. همچنین، با اعمال دو پیش‌بینی احتیاطی مهم، اجازه می‌دهیم که هزینه‌های نظامی سهم مثبتی در تولید داشته باشد (شاید از طریق تأمین امنیت، حفاظت از نیروی کار و سرمایه موجود و غیره). اول اینکه، هزینه‌های نظامی به‌طور کلی در معرض بازدهی کاهشی است؛ که هر چه α کوچک‌تر باشد، این بازدهی کاهشی شدیدتر است. ثانیاً، همه هزینه‌های نظامی ممکن است در وهله اول تأثیر مثبتی بر تولید نداشته باشند. بر این اساس، پارامتر θ را برای دریافت کیفیت نهادها در اقتصاد معرفی می‌کنیم و در نتیجه، کسری از هزینه‌های نظامی که مولد هستند را در تابع تولید وارد می‌کنیم؛ به گونه‌ای که $0 \leq \theta \leq 1$. بایستی توجه داشت که مقدار بالاتر θ به معنای نهادهای باکیفیت‌تر است که به نوبه خود هزینه‌های نظامی غیرمولد یعنی $m(1-\theta)$ را کاهش می‌دهد.

کل مخارج دولت (g) از طریق نسبت مالیاتی τ بر تولید، تأمین می‌شود و بین مخارج نظامی و غیرنظامی اختصاص داده می‌شود؛ بنابراین:

$$\tau y = g = m + p \quad (۳)$$

همچنین فرض می‌کنیم که $p = s_p g$ و $m = s_m g$ که در آن s_p و s_m به ترتیب، کسری از کل مخارج دولت g اختصاص یافته به مخارج نظامی و غیرنظامی هستند، به گونه‌ای که: $s_m + s_p = 1$. با توجه به چارچوب مالیاتی شرح داده شده در بالا، انباشت سرمایه از طریق پس‌انداز پس از کسر مالیات توسط خانوار نماینده صورت می‌گیرد، به گونه‌ای که:

$$\dot{k} = (1 - \tau)k^{1-\alpha-\beta}(\theta m)^{\alpha}p^{\beta} - c \quad (۴)$$

برای به دست آوردن نرخ رشد تولید در این اقتصاد، نخست با مسئله حداکثرسازی مطلوبیت خانوار نماینده، مسیر مصرف بهینه توسط رابطه زیر تعیین می‌شود:

$$\frac{\dot{c}}{c} = \frac{1}{\sigma} \left((1 - \tau) \frac{\partial y}{\partial k} - \rho \right) \quad (۵)$$

که در رابطه فوق، عبارت $(1 - \tau) \frac{\partial y}{\partial k}$ نشان‌دهنده تولید نهایی سرمایه پس از کسر مالیات است. با توجه به اینکه در حالت پایدار، تولید و مصرف بایستی با نرخ یکسان رشد کنند و با جایگذاری سهم مخارج نظامی و غیرنظامی از کل مخارج دولت، نرخ رشد تولید (y) در حالت پایدار را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$\gamma = \frac{1}{\sigma} \left(((1 - \tau)(1 - \alpha - \beta)(\theta s_m)^{\alpha} s_p^{\beta} \left(\frac{g}{k}\right)^{\alpha+\beta} - \rho) \right) \quad (۶)$$

بر اساس رابطه فوق، در وهله اول می‌توانیم نسبت بهینه کل هزینه‌های دولت به تولید یعنی g/y را تعیین کنیم. به این منظور با توجه به دو رابطه (۲) و (۳) در بالا، ابتدا τ و g/k را در رابطه (۵) جایگزین می‌کنیم تا γ تابعی از g/y باشد. سپس، با استفاده از شرایط مرتبه اول مناسب، نسبت رشد حداکثری مخارج دولت به تولید به صورت $g/y = \alpha + \beta$ برآورد می‌شود.

در مرحله بعد، به دنبال تعیین ترکیب بهینه هزینه‌های دولت بین هزینه‌های نظامی و غیرنظامی هستیم. مجدداً، با استفاده از شرایط بودجه متوازن شرح داده شده در رابطه (۳) و با توجه به اینکه $s_p = 1 - s_m$ ، می‌توانیم معادله رشد را به صورت زیر بازنویسی کنیم:

$$\gamma = \frac{1}{\sigma} ((1 - \tau)(1 - \alpha - \beta)(\theta s_m)^{\frac{\alpha}{1-\alpha-\beta}} (1 - s_m)^{\frac{\beta}{1-\alpha-\beta}} - \rho) \quad (7)$$

با در نظر گرفتن شرایط مرتبه اول مناسب در این مورد، می‌توان سطح بهینه هزینه‌های نظامی را از رابطه زیر محاسبه کرد:

$$s_m^* = \frac{\alpha}{\alpha + \beta} \quad (8)$$

به عبارت دیگر، سطح بهینه هزینه‌های نظامی به بهره‌وری این نوع هزینه‌ها در قیاس با بهره‌وری هزینه‌های غیرنظامی بستگی دارد. تا زمانی که $\alpha > 0$ ، سطح بهینه هزینه‌های نظامی مثبت است که به این معنی است که برای کشوری با سطح هزینه‌های نظامی به اندازه کافی پایین، افزایش هزینه‌های نظامی می‌تواند رشد اقتصادی را افزایش دهد. با این حال، شایان ذکر است که محدوده سطوح مخارج نظامی که در آن افزایش بیشتر این هزینه‌ها باعث افزایش رشد می‌شود، با افزایش α کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، اگر مقدار α بسیار کوچک باشد، بازدهی کاهشی نسبت به هزینه‌های نظامی اضافی آنقدر شدید است که تأثیر مثبت هزینه‌های بیشتر تنها در سطوح بسیار پایین هزینه‌های نظامی رخ می‌دهد (کمپتون و پترسون، ۲۰۱۶: ۳۰۵).

برای کشوری که در سطح بهینه هزینه‌های نظامی s_m^* یا فراتر از آن باشد، افزایش بیشتر در هزینه‌های نظامی نرخ رشد حالت پایدار γ را کاهش می‌دهد. به این دلیل که افزایش بیشتر در هزینه‌های نظامی لزوماً هزینه‌های غیرنظامی را کاهش می‌دهد و در نتیجه در این حالت، ترکیب مخارج دولت، بهینه نیست. همچنین می‌توان از معادله (۷) دریافت که میزان کاهش رشد اقتصادی در اثر هزینه‌های نظامی اضافی، تحت تأثیر کیفیت نهادها (θ) است. از آنجایی که θ به‌طور مثبت در معادله رشد رابطه (۷) وارد می‌شود، می‌توان مشاهده کرد که مقادیر بالاتر θ مربوط به نهادهای بهتر، اثرات منفی هزینه‌های نظامی اضافی بر رشد را کاهش می‌دهد، درحالی که مقادیر پایین θ مربوط به نهادهای ضعیف، فقط این تأثیر را تشدید می‌کند (همان، ۲۰۱۶).

وفور منابع طبیعی، هزینه‌های نظامی و رشد اقتصادی

منابع طبیعی (شامل: نفت، گاز طبیعی، زغال سنگ، جنگل و مواد معدنی) یکی از مهم‌ترین منابع ثروت ملی در جهان محسوب می‌شوند. ادبیات اقتصادی موجود در رابطه با منابع طبیعی، بیش‌تر بر روی اصطلاح «نفرین منابع»^۱ متمرکز است که به ناکارآمدی درآمدهای به‌دست‌آمده از این منابع، منابع، در رشد اقتصادی مستمر و مناسب اشاره می‌کند (Bannon & Collier, 2003). واژه‌ی نفرین منابع، اولین بار توسط اقتصاددان مشهور انگلیسی و صاحب‌نظر بحث نفرین منابع، ریچارد آوتی^۲ در سال ۱۹۹۳ به کار گرفته شده و بعد از وی نیز، مطالعات تجربی گسترده‌ای در این زمینه و تأیید و یا عدم تأیید آن انجام گرفته است. به‌طور کلی نتایج این مطالعات گویای این حقیقت است که نحوه‌ی استفاده و مدیریت این منابع عامل مهمی در نعمت یا نعمت بودن منابع طبیعی برای کشورهای برخوردار از این منابع است (شاه‌آبادی و صادقی، ۱۳۹۲).

اثر تعاملی وفور منابع طبیعی و هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی متمرکز بر رابطه بین وفور منابع طبیعی و درگیری است. رابطه بین وفور منابع طبیعی و درگیری به‌عنوان یک حقیقت آشکار شده در علوم سیاسی و اقتصاد در نظر گرفته می‌شود (راس^۳، ۲۰۰۴؛ رون^۴، ۲۰۰۵). بررسی بررسی تجربی این رابطه با تحقیق کولیر و هوفلر^۵ (۱۹۹۸) آغاز شد که دریافتند وفور منابع طبیعی در یک کشور، خطر درگیری و وقوع جنگ را افزایش می‌دهد. دی سویسا^۶ (۲۰۰۲)، فیرون^۷ (۲۰۰۵)، راس^۸ (۲۰۰۶)، دی سویسا و نویمایر^۹ (۲۰۰۷) و لوجالا^{۱۰} (۲۰۱۰) با تمرکز بر ریشه‌های ریشه‌های اقتصادی درگیری، نقش تجارت قانونی نفت و منابع معدنی را برجسته می‌کنند. احتمال

1. Resource Curse

2. Auty

3. Ross

4. Ron

5. Collier & Hoeffler

6. De Soysa

7. Fearon

8. Ross

9. De Soysa & Neumayer

10. Lujala

مداخله خارجی (روسر^۱، ۲۰۰۶) و احتمال آسیب از شوک‌های اقتصادی (کولیر و هوفلر، ۲۰۰۵) دلایل دیگری می‌باشند که تشریح می‌کنند چرا وفور منابع طبیعی ممکن است با خطر درگیری مرتبط باشند.

دلایل دیگر رابطه بین وفور منابع طبیعی و درگیری پیرامون دیدگاه‌های سیاسی شورشیان به‌عنوان تصمیم‌گیرندگان کلیدی ایجاد می‌شود. بر اساس این دیدگاه، اگر منابع طبیعی در یک منطقه خاص از یک کشور متمرکز شده باشند، ممکن است این باور را در میان گروه‌های ناراضی ایجاد کند که تشکیل یک دولت جدید می‌تواند موفق‌تر باشد و رفاه بیشتری را ایجاد کند؛ که این موضوع احتمال وقوع درگیری را افزایش می‌دهد (آوتی^۲، ۲۰۰۴؛ دانینگ^۳، ۲۰۰۵). برخی دیگر، منابع طبیعی را عامل «بیماری هلندی سیاسی»^۴ یا افزایش فعالیت‌های رانت‌خواری و فساد می‌دانند که به نوبه خود ظرفیت دولت را تضعیف می‌کند؛ که منجر به شکست در ارائه کالاهای عمومی کلیدی می‌شود و در نتیجه احتمال درگیری را افزایش می‌دهد^۵ (موسایف، ۲۰۱۶: ۹). علاوه بر این، منابع طبیعی می‌توانند منشأ تنش و درگیری بین‌المللی نیز باشند. بنابراین، دلایل زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد سطوح بالای ثروت منابع ممکن است تقاضای بالایی برای حمایت نظامی ایجاد کند؛ زیرا ارتش به عنوان یک محافظ برتر در برابر خطرات داخلی و خارجی که ممکن است یک کشور با آن مواجه شود؛ عمل می‌کند. همچنین، برخورداری از منابع طبیعی می‌تواند هزینه فرصت افزایش هزینه‌های نظامی و ایجاد مجتمع‌های نظامی - صنعتی را کاهش دهد و به تقویت توانایی ارتش برای حفاظت از امنیت ملی، منابع طبیعی و در نتیجه رشد اقتصادی کمک کند (علی و عبداللطیف^۶، ۲۰۱۵؛ دان و تیان، ۲۰۱۵). علاوه بر این، حتی در کشورهایی که

1. Rosser

2. Auty

3. Dunning

4. Political Dutch disease

۵. البته تعداد محدودی از دیدگاه‌های مخالف مانند هومر-دیکسون (۱۹۹۹) و برونشوالر و بولته (۲۰۰۹) کمبود منابع

منابع را به جای فراوانی به عنوان محرک درگیری خشونت‌آمیز پیشنهاد می‌کنند.

6. Ali & Abdellatif

که درگیری و تعارض وجود ندارد، افزایش هزینه‌های نظامی را می‌توان با هدف حفاظت از منابع طبیعی در مقابل دشمنان داخلی و خارجی فرضی و یا واقعی توجیه کرد. به عنوان مثال، کشور برزیل هزینه‌های نظامی و دفاعی خود را در پاسخ به نیاز رو به رشد برای حفاظت از مرزهای برزیل، جنگل آمازون و اکتشافات نفتی عظیم دریایی افزایش داده است (پیرلو-فریمن و برانر^۱، ۲۰۱۲).

بر اساس توضیحات فوق انتظار می‌رود پیوند بین منابع طبیعی و درگیری بر رابطه هزینه‌های نظامی و رشد اقتصادی تأثیر بگذارد. بر این اساس می‌توان گفت که اگر وفور منابع طبیعی با خطر بالاتر درگیری مرتبط باشد، تأثیر مخارج نظامی بر رشد اقتصادی تابعی غیرخطی و فزاینده از فراوانی منابع طبیعی است و به‌طور خاص، تأثیر مخارج نظامی در حضور ثروت منابع طبیعی به اندازه کافی بزرگ، مثبت خواهد بود؛ مشروط بر اینکه وفور منابع طبیعی با فعالیت‌های فساد بالا مرتبط نباشد (موسایف، ۲۰۱۶).

پیشینه تحقیق

تاکنون مطالعات خارجی فراوانی در زمینه رابطه هزینه‌های نظامی و رشد اقتصادی برای کشورها و یا گروه کشورهای مختلف انجام شده است؛ که به نتایج گوناگونی دست یافته‌اند. اما شمار مطالعات خارجی که اثر این هزینه‌ها را از طریق کانال‌های مختلف و عوامل خارجی بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار داده باشند، بسیار اندک است. در داخل کشور نیز مطالعات تجربی گوناگونی در زمینه رابطه هزینه‌های نظامی و رشد اقتصادی برای کشورها و یا گروه کشورهای مختلف انجام شده؛ اما تاکنون در هیچ مطالعه داخلی اثر این هزینه‌ها از طریق کانال‌های کیفیت نهادی و وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی بررسی نشده است. وجه تمایز و نوآوری مطالعه حاضر در قیاس با مطالعات خارجی انجام شده در زمینه موضوع تحقیق، صرف نظر از تفاوت در نمونه و بازه زمانی تحقیق و همچنین مدل‌سازی، از دو جنبه مهم قابل طرح است. جنبه اول مربوط به

1. Perlo-Freeman & Brauner

شاخص استفاده شده در این تحقیق برای نظامی سازی است. مطالعات گذشته به‌طور عمده نظامی سازی را به‌وسیله سهم مخارج نظامی از GDP یا سهم مخارج نظامی از کل مخارج عمومی، اندازه‌گیری کرده‌اند. درحالی که در این مطالعه به‌منظور اندازه‌گیری نظامی سازی از شاخص جدید و جامع جهانی نظامی سازی (GMI) استفاده شده است. همان‌طور که در قسمت‌های پیش‌روی مقاله تشریح می‌گردد، این شاخص علاوه بر در نظر گرفتن بعد هزینه‌ای نظامی سازی، بعد جمعیتی (پرسنل نظامی) و سرانه تسلیحات سنگین را نیز در نظر می‌گیرد؛ بنابراین انعکاس دقیق‌تر و کامل‌تری از سطح نظامی سازی در کشورهای جهان است. جنبه دوم آنکه، در این مطالعه، علاوه بر بررسی اثرات غیرمستقیم نظامی سازی بر رشد اقتصادی از دو کانال کیفیت نهادی و وفور منابع طبیعی در معادلات رگرسیونی جداگانه (همانند معدود مطالعات پیشین)، این اثرگذاری برای نخستین بار از طریق دو کانال مذکور به‌صورت همزمان نیز بررسی می‌شود. چراکه در مطالعات تجربی مختلف نشان داده شده است که وفور منابع طبیعی می‌تواند به کیفیت نهادی آسیب وارد کند و از سوی دیگر، نهادهای باکیفیت می‌توانند درآمدهای حاصل از وفور منابع طبیعی را به‌طور صحیح‌تری مدیریت و کنترل کنند. بر این اساس در این مطالعه، در معادلات رگرسیونی دیگری با تقسیم‌بندی کشورهای مورد مطالعه به کشورهای با نهادهای بالنسبه قوی‌تر و ضعیف‌تر و همچنین کشورهای با منابع طبیعی بالنسبه فراوان‌تر و کمتر، اثر غیرمستقیم نظامی سازی بر رشد اقتصادی از کانال‌های کیفیت نهادی و منابع طبیعی به‌طور جزئی‌تری مورد بررسی تجربی قرار می‌گیرد. با توجه به این نکات، اهم مطالعات خارجی و داخلی در زمینه موضوع تحقیق و یا نزدیک به آن، در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱): خلاصه اهم مطالعات خارجی و داخلی انجام شده در زمینه موضوع تحقیق و با نزدیک به آن

پژوهشگران	نمونه مکانی و زمانی	شاخص نظامی سازی	متغیر در تعامل با نظامی سازی	روش برآورد مدل	نتیجه اصلی
آیزمن و گلیک (۲۰۰۶)	۹۰ کشور جهان (۱۹۸۹-۱۹۹۸)	نسبت مخارج نظامی به GDP (MIL/GDP)	تهدیدات خارجی و فساد	مربعات معمولی پانلی ^۱ (POLS)	مخارج نظامی و تهدیدات خارجی اثر منفی و معنادار بر سطح رشد اقتصادی دارند. اما اثر تعاملی مخارج نظامی و تهدیدات خارجی بر رشد اقتصادی، مثبت است؛ به این معنا که با افزایش سطح تهدیدات خارجی (یا کاهش فساد)، اثر منفی مخارج نظامی بر رشد اقتصادی کاهش می یابد و رشد اقتصادی می تواند از افزایش مخارج نظامی منتفع گردد.

ادامه جدول (۱): خلاصه اهم مطالعات خارجی و داخلی انجام‌شده در زمینه موضوع تحقیق و یا نزدیک به آن

پژوهشگران	نمونه مکانی و زمانی	شاخص نظامی‌سازی	متغیر در تعامل با نظامی‌سازی	روش برآورد مدل	نتیجه اصلی
یانگ و همکاران ^۱ (۲۰۱۱)	۹۲ کشور جهان (۱۹۹۲-۲۰۰۳)	سرايه مخارج نظامی (به قیمت‌های ثابت سال ۲۰۰۵ و بر حسب دلار)	تهدیدات خارجی	خودرگرسیون آستانه‌ای ^۲ (TAR)	مخارج نظامی و تهدیدات خارجی رابطه منفی و معناداری را با رشد اقتصادی ۲۳ کشور با درآمد اولیه (متغیر آستانه) کمتر یا برابر با ۴۷۵/۹۳ دلار (بر حسب قیمت‌های ثابت سال ۲۰۰۰) داشته است؛ اما هزینه‌های نظامی در حضور تهدیدات خارجی به اندازه کافی بزرگ، باعث افزایش رشد اقتصادی این کشورها می‌شود. برای ۶۹ کشور باقیمانده با درآمد اولیه بالاتر از ۴۷۵/۹۳ دلار، رابطه معناداری بین متغیرهای تهدیدات خارجی و مخارج نظامی با رشد اقتصادی به دست نیامده است.

1. Yang et al.

2. Threshold Auto Regressive

ادامه جدول (۱): خلاصه اهم مطالعات خارجی و داخلی انجام شده در زمینه موضوع تحقیق و یا نزدیک به آن

پژوهشگران	نمونه مکانی و زمانی	شاخص نظامی سازی	متغیر در تعامل با نظامی سازی	روش برآورد مدل	نتیجه اصلی
دی آگوستینو و همکاران (۲۰۱۲)	۵۳ کشور آفریقایی (۲۰۰۳-۲۰۰۷)	نسبت مخارج نظامی به مخارج بخش عمومی (MIL/GOV)	فساد	روش گشتاورهای تعمیم یافته ^۱ (GMM)	فساد و مخارج نظامی بر رشد اقتصادی اثر منفی دارند؛ اما اثر تعاملی فساد و مخارج نظامی بر رشد اقتصادی، مثبت است.
کمپتون و پترسون (۲۰۱۶)	۱۰۰ کشور جهان (۱۹۸۸-۲۰۱۰)	MIL/GDP	کیفیت نهادی شامل شاخص های نظیر کنترل فساد، حاکمیت قانون، میزان مشارکت نظامی در سیاست و شاخص محدودیت های سیاسی	GMM و POLS	تأثیر هزینه های نظامی بر رشد اقتصادی، منفی و در بهترین حالت، مقدار این اثرگذاری معادل با صفر است؛ اما شدت این اثرگذاری منفی در حضور نهادهای اقتصادی و سیاسی خوب کاهش می یابد.

1. Generalized Method of Moments

ادامه جدول (۱): خلاصه اهم مطالعات خارجی و داخلی انجام‌شده در زمینه موضوع تحقیق و یا نزدیک به آن

پژوهشگران	نمونه مکانی و زمانی	شاخص نظامی‌سازی	متغیر در تعامل با نظامی‌سازی	روش برآورد مدل	نتیجه اصلی
موسایف (۲۰۱۶)	۸۹ کشور جهان (۱۹۷۰-۲۰۱۰)	MIL/GDP	تهدیدات خارجی، منابع طبیعی و کنترل فساد	GMM	اثر مستقیم هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی منفی است؛ اما اثرگذاری غیرمستقیم مخارج نظامی بر رشد اقتصادی برای کشورهای دارای تهدیدات داخلی و در معرض خطر، کشورهای برخوردار از منابع طبیعی گسترده و کشورهای دارای سطوح کنترل فساد بالاتر، مثبت و معنادار بوده است.
عزیز و اسدالله (۲۰۱۶)	۷۰ کشور در حال توسعه (۱۹۹۰-۲۰۱۳)	MIL/GDP	درگیری‌های مسلحانه (داخلی، خارجی و کل)	اثرات ثابت ^۱ (FE)، GMM و POLS	تأثیر هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی ناشی از مواجهه با درگیری‌های مسلحانه کل، مثبت و معنادار است؛ این در حالی است که تأثیر هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی ناشی از مواجهه با درگیری‌های مسلحانه داخلی و خارجی متفاوت و غیریکسان است. این اثرگذاری در حالت اول (و به هنگام معناداری)، مثبت و در حالت دوم (و به هنگام معناداری)، منفی است.

1. Fixed Effects

ادامه جدول (۱): خلاصه اهم مطالعات خارجی و داخلی انجام شده در زمینه موضوع تحقیق و یا نزدیک به آن

پژوهشگران	نمونه مکانی و زمانی	شاخص نظامی سازی	متغیر در تعامل با نظامی سازی	روش برآورد مدل	نتیجه اصلی
					مخارج نظامی و فساد دارای اثرات مثبت و معنادار آماری بر رشد فراگیر ^۲ در کشورهای گروه با درآمد متوسط رو به پایین است. همچنین، اثر تعاملی مخارج نظامی و فساد بر رشد فراگیر این گروه کشورها، منفی و از نظر آماری معنادار است؛
کشورهای عضو بریکس ^۱ (۱۹۸۴-۲۰۱۷)	آنیفوسه (۲۰۱۹)	MIL/GDP	کیفیت نهادی اندازه گیری شده به وسیله متغیر سطح فساد	POLS	که بدان معناست که هزینه های نظامی، رشد فراگیر را در مواجهه با فساد کاهش می دهد. در مقابل، برای کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا، مخارج نظامی اثر منفی و معنادار بر رشد فراگیر داشته است. در این گروه از کشورها، فساد و جزء تعاملی مخارج نظامی و فساد، اثر منفی بر رشد فراگیر داشته اند؛ اما هر دو از نظر آماری بی معنا هستند.

۱. BRICS نام گروهی به رهبری قدرت های اقتصادی نوظهور است که از به هم پیوستن حروف اول نام انگلیسی کشورهای عضو برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی تشکیل شده است.

2. Inclusive Growth Index (IGI)

ادامه جدول (۱): خلاصه اهم مطالعات خارجی و داخلی انجام‌شده در زمینه موضوع تحقیق و یا نزدیک به آن

پژوهشگران	نمونه مکانی و زمانی	شاخص نظامی‌سازی	متغیر در تعامل با نظامی‌سازی	روش برآورد مدل	نتیجه اصلی
عزیز و خلید ^۱ (۲۰۱۸)	۶۰ کشور در حال توسعه (۱۹۹۰- ۲۰۱۳)	MIL/GDP	درگیری مسلحانه	تبدیل موجک گسسته با حداکثر هم‌پوشانی ^۲ (MODWT)	هزینه‌های نظامی در غیاب درگیری مسلحانه، جریان سرمايه‌گذاري مستقيم خارجي را کاهش مي‌دهد. با این حال، این اثر منفي با افزايش هزینه‌های نظامی کاهش می‌یابد.
آرزکی و بروکنر ^۳ (۲۰۲۱)	۱۳۳ کشور جهان (۱۹۹۶- ۲۰۱۷)	MIL/GDP	منابع طبیعی	FE	تأثیر مثبت قابل توجه رانت منابع طبیعی بر خطر شیوع درگیری‌های داخلی به کشورهایی با هزینه‌های نظامی کم محدود می‌شود. در کشورهایی که هزینه‌های نظامی بالایی دارند، رانت منابع طبیعی تأثیر قابل توجهی بر شروع درگیری‌های داخلی ندارد.

1. Aziz & Khalid

2. Maximal Overlap Discrete Wavelet Transform

3. Arezki & Brueckner

ادامه جدول (۱): خلاصه اهم مطالعات خارجی و داخلی انجام شده در زمینه موضوع تحقیق و یا نزدیک به آن

پژوهشگران	نمونه مکانی و زمانی	شاخص نظامی سازی	متغیر در تعامل با نظامی سازی	روش برآورد مدل	نتیجه اصلی
دسلی و کولکوتسیکا ^۱ (۲۰۲۱)	بیش از ۱۰۰ کشور جهان (۱۹۶۰-۲۰۱۷)	MIL/GDP	-	اثرات همبسته مشترک پویا ^۲ (DCCE)	به طور کلی اثر جهانی هزینه های نظامی بر رشد اقتصادی منفی است. برای دوران پس از جنگ سرد، یک اثر خنثی (بدون اهمیت آماری) برای اکثر کشورها تأیید می شود. در سطح خاص کشوری، برخی از اقتصادها از هزینه های نظامی منتفع می شوند و برخی از آن رنج می برند.
سانتاماریا و همکاران ^۳ (۲۰۲۱)	کشورهای ناتو (۲۰۰۵-۲۰۱۸)	MIL/GDP	-	GMM	تأثیر متفاوت هزینه های دفاعی بر تولید ناخالص داخلی تأیید می شود؛ به گونه ای که کشورهای این اتحادیه نظامی را از نظر تأثیرپذیری می توان به ۵ گروه مجزا تقسیم بندی کرد.

1. Desli & Gkoulkoutsika

2. Dynamic Common Correlated Effects

3. Santamaría et al.

ادامه جدول (۱): خلاصه اهم مطالعات خارجی و داخلی انجام شده در زمینه موضوع تحقیق و یا نزدیک به آن

پژوهشگران	نمونه مکانی و زمانی	شاخص نظامی سازی	متغیر در تعامل با نظامی سازی	روش برآورد مدل	نتیجه اصلی
لانرای و همکاران ^۱ (۲۰۲۲)	کشور پاکستان (۱۹۷۸-۲۰۱۸)	MIL/GDP	-	خودرگرسیون با وقفه های توزیعی غیرخطی ^۲ (NARDL)	کاهش هزینه های نظامی باعث افزایش رشد اقتصادی در بلندمدت می شود؛ در حالی که افزایش هزینه های نظامی تأثیر ناچیزی بر رشد اقتصادی داشته است. بنابراین تمرکز بر کاهش هزینه های نظامی ممکن است به رشد اقتصادی کمک کند.
گل خندان و همکاران (۱۳۹۴)	۱۶ کشور منطقه منا (۱۹۹۵-۲۰۱۲)	MIL/GDP	-	GMM	نتایج نشان دهنده اثر منفی هزینه های نظامی بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه منا است. لذا می توان گفت که اگرچه افزایش مخارج نظامی به منظور تأمین امنیت بسیاری از کشورهای این منطقه لازم و ضروری است، اما این مخارج باعث کاهش رشد اقتصادی می شوند.

1. Lanrui et al.

2. Non-linear Autoregressive Distributed Lag

ادامه جدول (۱): خلاصه اهم مطالعات خارجی و داخلی انجام شده در زمینه موضوع تحقیق و یا نزدیک به آن

پژوهشگران	نمونه مکانی و زمانی	شاخص نظامی سازی	متغیر در تعامل با نظامی سازی	روش برآورد مدل	نتیجه اصلی
گل خندان و بابایی آغ اسمعیلی (۱۳۹۶)	کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (۲۰۰۳-۲۰۱۴)	MIL/GDP	فساد	GMM	هزینه های نظامی و فساد اثر مثبت و معناداری بر نابرابری درآمد دارند. همچنین، تعامل بین هزینه های نظامی و فساد، مثبت و معنادار است و بیان گر این حقیقت است که تأثیر مثبت هزینه های نظامی بر نابرابری درآمد، با افزایش فساد (کیفیت نهادی ضعیف) تشدید می شود.
فطرس و گل خندان (۱۳۹۶)	کشورهای با درآمد بالا، متوسط و پائین (۱۹۹۵-۲۰۱۴)	MIL/GDP	-	GMM	هزینه های نظامی بر رشد اقتصادی در کشورهای با درآمد بالا، تأثیر مثبت (تأیید فرضیه اسلحه و رفاه)، در کشورهای با درآمد پائین، تأثیر منفی (تأیید فرضیه اسلحه یا رفاه) و در کشورهای با درآمد متوسط، اثر بی معنا (فرضیه خنثی) داشته است.

ادامه جدول (۱): خلاصه اهم مطالعات خارجی و داخلی انجام‌شده در زمینه موضوع تحقیق و یا نزدیک به آن

پژوهشگران	نمونه مکانی و زمانی	شاخص نظامی سازی	متغیر در تعامل با نظامی سازی	روش برآورد مدل	نتیجه اصلی
گل خندان (۱۳۹۶)	کشورهای خاورمیانه (۱۹۹۶-۲۰۱۴)	MIL/GDP	-	GMM	درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز (منابع انرژی) بر بار نظامی اثر مثبت و معناداری دارد؛ به گونه‌ای که با افزایش یک درصدی در سهم درآمدهای نفتی و گاز طبیعی از GDP، بار نظامی در کشورهای خاورمیانه به ترتیب حدود ۰/۱۴ و ۰/۰۵ درصد افزایش خواهد یافت.
گل خندان (۱۳۹۸)	کشور ایران (۱۳۵۸-۱۳۹۴)	MIL/GDP	تهدیدات خارجی	هم‌انباشتگی یوهانسن-یوسلیوس	تأثیر بار دفاعی و شاخص تهدیدات خارجی بر رشد اقتصادی ایران منفی است؛ اما اثر تعاملی بار دفاعی و شاخص تهدیدات خارجی بر رشد اقتصادی مثبت است. بر این اساس می‌توان انتظار داشت که اثر منفی بار دفاعی در حضور تهدیدات بین‌المللی کاهش و حتی با گذشت سطح تهدیدات خارجی از مقدار آستانه آن، تأثیر مخارج دفاعی بر رشد اقتصادی کشور مثبت نیز گردد.

ادامه جدول (۱): خلاصه اهم مطالعات خارجی و داخلی انجام شده در زمینه موضوع تحقیق و یا نزدیک به آن

پژوهشگران	نمونه مکانی و زمانی	شاخص نظامی سازی	متغیر در تعامل با نظامی سازی	روش برآورد مدل	نتیجه اصلی
ایزدخواستی و تیموری (۱۳۹۸)	۸ کشور منطقه منا (۱۹۹۵-۲۰۱۴)	MIL/GDP	-	سیستم معادلات همزمان و روش حداقل مربعات دومرحله‌ای (2SLS)	یک درصد افزایش در نسبت هزینه‌های دفاعی به تولید ناخالص داخلی، باعث کاهش ۰/۱۰ درصدی رشد اقتصادی شده است.
گل‌خندان و صحرانی (۱۳۹۹)	کشور ایران (۱۳۶۳-۱۳۹۴)	MIL/GOV	-	ARDL	اثر بلندمدت و کوتاه‌مدت فساد بر سهم مخارج بخش دفاعی از کل مخارج عمومی مثبت و معنادار است و گسترش فساد سبب انتقال مخارج عمومی از بخش غیردفاعی به بخش دفاعی می‌شود.

مأخذ: یافته‌های تحقیق با مرور مطالعات تجربی

۳. معرفی شاخص جهانی نظامی سازی

مهم ترین و متداول ترین شاخص برای اندازه گیری مخارج نظامی در مطالعات تجربی، شاخص بار نظامی (سهم مخارج نظامی از GDP) است. از آنجا که بر اساس شاخص بار نظامی، اهمیت مخارج نظامی در بسیاری از اقتصادها ناچیز و دست کم گرفته می‌شود، این شاخص مورد انتقاد جدی قرار گرفته است (دفتر بین‌المللی صلح، ۲۰۱۲). «مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی بن»^۱ (BICC) با ارائه

1. Bonn International Center for Conversation

شاخص جهانی نظامی‌سازی^۱ (GMI) برای اولین بار به‌طور عینی نظامی‌سازی را در سراسر جهان به تصویر کشیده و این مشکل را حل کرده است. GMI، هزینه‌های نظامی یک کشور را با تولید ناخالص داخلی (GDP) و هزینه‌های بهداشتی و همچنین، تعداد کل نیروهای نظامی و شبه‌نظامی در یک کشور را با تعداد پزشکان و جمعیت مقایسه می‌کند. درنهایت، این شاخص، تعداد سلاح‌های سنگین موجود در اختیار نیروهای مسلح یک کشور را نیز بررسی می‌کند (گرب^۲، ۲۰۱۱). BICC از این معیارها برای تعیین رتبه یک کشور از لحاظ سطح نظامی‌سازی در جهان استفاده می‌کند؛ که به نوبه خود امکان مقایسه با سایر کشورهای جهان را نیز ممکن می‌سازد. GMI شامل داده‌های تاریخی و فعلی است که از سال ۲۰۰۰ میلادی شروع و به آخرین سالی که داده‌ها برای آن در دسترس است، ختم می‌شود.

فاکتورهای تشکیل دهنده GMI

شاخص‌های شکل دهنده GMI به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند: هزینه، پرسنل (کارکنان) و سلاح‌های سنگین. مخارج نظامی در رابطه با دو متغیر تولید ناخالص داخلی و هزینه‌های بهداشتی، مهم‌ترین شاخص‌ها برای تعیین سطح نظامی شدن هستند که در دسته هزینه قرار می‌گیرند. منابع مالی که از طریق بودجه نظامی توسط دولت در دسترس قرار می‌گیرد، عامل مهمی است که بر ظرفیت‌ها و اندازه نیروهای مسلح یک کشور تأثیر می‌گذارد. شاخص دیگری که GMI از آن در دسته هزینه استفاده می‌کند، مقایسه بین کل بودجه نظامی و هزینه‌های دولت برای خدمات بهداشتی است. ارقام مربوط به هزینه‌های نظامی از پایگاه داده‌ای مؤسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم^۳ (SIPRI)، داده‌های تولید ناخالص داخلی از صندوق بین‌المللی پول^۴ (IMF) و داده‌های

1. Global Militarization Index

2. Grebe

3. Stockholm International Peace Research Institute

4. International Monetary Fund

مربوط به هزینه‌های بهداشتی از پایگاه داده‌ای سازمان بهداشت جهانی^۱ (WHO) استخراج شده است.

علاوه بر هزینه‌های نظامی، سطح نظامی‌سازی با رابطه پرسنل نظامی و شبه‌نظامی با کل جمعیت و پزشکان، بررسی و همچنین، ذخایر نظامی نسبت به جمعیت، مرتبط می‌شود. اولین و مهم‌ترین شاخص در این دسته (دسته دوم)، پرسنل نظامی و شبه‌نظامی فعال نسبت به کل جمعیت است. دلیل گنجانده شدن پرسنل شبه‌نظامی آن است که در بسیاری از کشورهای جهان، ارتش عادی به‌تنهایی قادر به انعکاس حجم کل نیروهای مسلح نیست. معیار اصلی برای کدگذاری یک نهاد سازمانی به عنوان نظامی یا شبه‌نظامی این است که نیروهای مورد نظر علاوه بر مسلح بودن، یونیفرم پوش بودن و پادگانی بودن، تحت کنترل مستقیم دولت نیز باشند. برای ارائه جامع پرسنل موجود و نمایش کافی از سطح نسبی نظامی‌سازی، شاخص دوم در این دسته، درصد نیروهای ذخیره در کل جمعیت را در نظر می‌گیرد. این عامل برای برخی از کشورها، مانند سوئیس که ارتش ثابت نسبتاً کوچکی دارند، اما مقدار قابل توجهی از ذخایر موجود در جامعه را دارند، مرتبط است. شاخص سوم دسته پرسنل، مجموع نیروهای نظامی و شبه‌نظامی را با تعداد پزشکان یک کشور مقایسه می‌کند تا رابطه بین تجربه و تخصص نظامی و غیرنظامی را در یک جامعه بیان کند. تمام داده‌های مربوط به پرسنل نظامی از قسمت موازنه نظامی سالنامه منتشرشده توسط مؤسسه مطالعات استراتژیک و بین‌المللی^۲ (ISIS) گردآوری شده است. ارقام اندازه جمعیت از گزارش آمار حیاتی و جمعیت سازمان ملل^۳ و داده‌های مربوط به تعداد پزشکان از WHO گرفته شده است.

درنهایت، برای تعیین سطح نظامی شدن یک کشور که تنها شامل منابع و پرسنل نیست، باید انواع خاصی از سلاح‌های سنگین را در نظر گرفت. به‌همین دلیل است که دسته سوم شاخص‌های

1. World Health Organization

2. Institute for Strategic and International Studies

3. Population and Vital Statistics Report of the United Nations

شکل دهنده GMI، دربرگیرنده تعداد سلاح‌های سنگین نیروهای مسلح نسبت به کل جمعیت است. سلاح‌های سنگین در اینجا به عنوان هر قطعه‌ای از تجهیزات نظامی تعریف می‌شود که در یکی از چهار دسته زیر قرار می‌گیرد: ۱. وسایل نقلیه زرهی (نفربر زرهی، تانک‌های سبک، تانک‌های عمده نبرد)، ۲. توپخانه (راکت‌انداز چندگانه، توپخانه خودکشی، توپخانه یدک کش) در کالیبرهای بالاتر از ۱۰۰ میلی‌متر، ۳. هواپیماهای جنگی (بالگردهای تهاجمی، هواپیماهای جنگنده بال ثابت) و ۴. کشتی‌های جنگی عمده (زیردریایی‌ها، جنگنده‌های سطحی عمده بزرگ‌تر از اندازه کوروت). داده‌های مربوط به ذخایر تسلیحاتی توسط BICC از منابع مختلف و به‌طور عمده از قسمت موازنه نظامی سالنامه ISIS جمع‌آوری شد. داده‌های مربوط به جنگ‌افزارهای کوچک و سلاح‌های سبک^۱ (SALW) نه تنها به شدت دشوار است، بلکه قابل اعتماد نیست و بنابراین در GMI گنجانده نشده است.

روش ساخت GMI

به منظور افزایش سازگاری بین شاخص‌های مختلف و جلوگیری از ایجاد انحراف در مقادیر بزرگ (افراطی) هنگام نرمال‌سازی داده‌ها، در مرحله اول هر شاخص در مبنای لگاریتمی با پایه ۱۰ نمایش داده می‌شود. در مرحله دوم، همه داده‌ها با استفاده از فرمول $x = \frac{y - \min}{\max - \min}$ نرمال‌سازی می‌شوند. $\max$ و $\min$ به ترتیب کمترین و بالاترین مقدار لگاریتم شاخص موردنظر را نشان می‌دهند. در مرحله سوم، هر شاخص بر اساس یک عامل ذهنی وزن‌گذاری می‌شود که نشان‌دهنده اهمیت نسبی اختصاص داده شده به آن توسط محققان BICC است. برای محاسبه امتیاز نهایی، شاخص‌های وزنی با هم جمع و سپس برای آخرین بار در مقیاسی از عدد ۰ تا عدد ۱۰۰۰ نرمال می‌شوند. در جدول (۲) معیارهای برآورد GMI، فاکتور وزنی آن و منابع جمع‌آوری داده‌های شاخص‌های تشکیل دهنده GMI به‌طور خلاصه نشان داده شده است.

1. Small Arms and Light Weapons

جدول (۲): معیارهای برآورد GMI، فاکتور وزنی آن و منابع جمع‌آوری داده‌های شاخص‌های تشکیل‌دهنده GMI

دسته	شاخص	فاکتور وزنی GMI	منبع جمع‌آوری داده‌ها
مخارج	درصد مخارج نظامی از GDP	۵	SIPRI, IMF, WHO
	نسبت هزینه‌های نظامی به مخارج بهداشتی	۳	
	نسبت پرسنل نظامی و شبه‌نظامی به جمعیت	۴	
پرسنل	نسبت ذخایر نظامی به جمعیت	۲	ISIS, WHO
	نسبت پرسنل نظامی و شبه‌نظامی به تعداد پزشکان	۲	
	نسبت تعداد تسلیحات سنگین به جمعیت	۴	
تسلیحات			ISIS

مأخذ: BICC (2012)

۴. مدل و روش تحقیق

به منظور انجام تجزیه و تحلیل‌های تجربی، در این مقاله از یک مدل پانل پویای رشد اقتصادی و به فرم کلی زیر استفاده شده است:

$$\begin{aligned} \text{Ln}(\text{growth})_{it} = & \alpha \text{Ln}(\text{growth})_{i(t-1)} + \theta_1 \text{Ln}(\text{militarization})_{it} + \theta_2 [\text{Ln}(\text{militarization})_{it} \times \\ & \text{Ln}(X)_{it}] + \phi \text{Ln}(X)_{it} + \beta \text{Ln}(Z)_{it} + \xi_i + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad (9)$$

در رابطه فوق متغیرها به صورت زیر تعریف شده‌اند:

Ln: لگاریتم طبیعی؛

growth: درآمد سرانه حقیقی به عنوان شاخص رشد اقتصادی (بر حسب دلار آمریکا و به قیمت‌های ثابت سال ۲۰۱۵)؛ militarization: شاخص جهانی نظامی سازی؛ X: بردار متغیرهای در تعامل با نظامی سازی که به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$X_{it} = [(\text{Institutions})_{it} \quad (\text{nat. res})_{it}]$$

institutions: شاخص کیفیت نهادی که برای اندازه‌گیری آن از شاخص حکمرانی خوب که توسط بانک جهانی ارائه شده، استفاده می‌شود. این شاخص دربرگیرنده شش مؤلفه ۱. شفافیت و

پاسخ‌گویی، ۲. عدم خشونت و ثبات سیاسی، ۳. اثربخشی دولت، ۴. کیفیت تنظیم قوانین و مقررات، ۵. تأمین قضایی و ۶. کنترل فساد بوده است که به روش میانگین حسابی مورد محاسبه قرار می‌گیرد. مقدار شاخص حکمرانی خوب بین دو عدد $2/5 -$ و $2/5 +$ ارائه می‌شود که هر چه به سمت $2/5 -$ میل کند، نشان‌دهنده بدتر شدن نهادهای حکمرانی در کشور موردنظر است. از آنجا که کلیه داده‌های متغیرهای این تحقیق، به صورت لگاریتمی وارد مدل می‌شوند و امکان لگاریتم گرفتن از اعداد منفی وجود ندارد، با اضافه نمودن عدد $2/5 +$ به داده‌های شاخص حکمرانی، مقدار این شاخص بین دو عدد صفر و $5 +$ استانداردسازی و مورد استفاده تجربی قرار می‌گیرد.

nat.res: سهم رانت ناشی از فروش انواع منابع طبیعی از تولید ناخالص داخلی، به‌عنوان شاخص وفور منابع طبیعی (بر حسب درصد)؛ از آنجا که مقدار این متغیر برای برخی از کشورهای فاقد منابع طبیعی، صفر است و امکان لگاریتم گرفتن از این عدد وجود ندارد، با اضافه نمودن عدد $1 +$ به داده‌های شاخص وفور منابع طبیعی^۱، مقدار این شاخص در محدوده مثبت مورد استفاده تجربی قرار می‌گیرد.

Z: بردار متغیرهای کنترل مؤثر بر رشد اقتصادی که بر اساس مبانی نظری، مطالعات تجربی مرتبط، بالأخص مطالعات کمپتون و پترسون (۲۰۱۶) و موسایف (۲۰۱۶)، مدل رشد سولوی تعمیم‌یافته و منابع سنتی رشد اقتصادی، به‌صورت زیر تعریف می‌شوند:

$$Z_{it} = [(population)_{it} \ (education)_{it} \ (inv/gdp)_{it} \ (open)_{it} \ (inflation)_{it}]$$

population: نرخ رشد جمعیت نرمال‌شده (بر حسب درصد)، به دلیل وجود متغیرهای منفی در داده‌های این متغیر، مطابق با مطالعه تجربی کمپتون و پترسون (۲۰۱۶)، کلیه داده‌های این متغیر مطابق رابطه زیر استانداردسازی و وارد مدل می‌شوند:

$$(population_t - population^{Min}) + 1 \quad (10)$$

۱. با این اقدام داده‌های مربوط به شاخص وفور منابع طبیعی برای کشورهای فاقد این منابع، از عدد صفر به عدد یک تغییر می‌کند که بعد از گرفتن لگاریتم طبیعی، دوباره داده‌های این متغیر برای این کشورها به عدد صفر بازمی‌گردد؛ چراکه لگاریتم طبیعی عدد یک، مساوی صفر است.

education: سهم مخارج دولت در آموزش از کل مخارج دولتی (بر حسب درصد)، به عنوان شاخص اندازه گیری آموزش و سرمایه انسانی؛ inv/gdp : نسبت تشکیل سرمایه ناخالص به تولید ناخالص داخلی (بر حسب درصد)، به عنوان شاخص اندازه گیری سرمایه فیزیکی؛ $open$: نسبت مجموع واردات و صادرات به تولید ناخالص داخلی (بر حسب درصد) و به عنوان شاخص درجه باز بودن تجاری؛ $inflation$: نرخ تورم نرمال شده (بر حسب درصد و به عنوان شاخص اندازه گیری بی ثباتی اقتصاد) که مشابه با متغیر نرخ رشد جمعیت، نرمال سازی و وارد مدل شده است. همچنین، i به مقاطع (۷۶ کشور در حال توسعه شامل ایران)، t به بازه زمانی (۲۰۰۰-۲۰۱۸)، ξ_i به اثر ثابت مقاطع و ε_{it} به جزء خطای تصادفی اشاره دارند؛ که شرایط زیر را تأمین می کنند.

$$E[\varepsilon_{it}] = E[\xi_i] = E[\varepsilon_{it}\xi_i] = 0$$

در جدول (۳) خلاصه مفیدی از کلیه متغیرهای تحقیق، شاخص و نحوه اندازه گیری و همچنین، منبع جمع آوری داده های خام آن ها ارائه شده است. در جداول پیوست شده (۱) و (۲) در انتهای مقاله نیز، لیست کشورهای مورد مطالعه به همراه آماره های توصیفی داده های خام متغیرها (یعنی قبل از لگاریتم گیری و نرمال سازی) ذکر شده است. شایان ذکر است که با توجه به فرضیه های این تحقیق، مدل تحقیق یک بار بدون حضور اثر تعاملی نظامی سازی با شاخص های کیفیت نهادی و وفور منابع طبیعی (مدل I)، یک بار با حضور اثر تعاملی نظامی سازی با شاخص های کیفیت نهادی و وفور منابع (مدل II)، یک بار با تفکیک کشورهای مورد مطالعه به دو دسته کشورهای با نهادهای بالنسبه بهتر و کشورهای با نهادهای بالنسبه ضعیف تر^۱ (مدل III) و یک بار با تفکیک کشورهای مورد مطالعه به دو دسته کشورهای با منابع طبیعی بالنسبه فراوان تر و کشورهای

۱. ملاک این تقسیم بندی، میانگین شاخص کیفیت نهادی کشورهای مورد مطالعه است. بر این اساس، کشورهای دارای میانگین شاخص کیفیت نهادی بالاتر از میانگین کل کشورهای نمونه طی دوره مورد بررسی در دسته کشورهای با نهادهای بالنسبه بهتر و کشورهای دارای میانگین شاخص کیفیت نهادی کمتر از میانگین کل کشورهای نمونه طی دوره مورد بررسی در دسته کشورهای با نهادهای بالنسبه ضعیف تر قرار می گیرند.

با منابع طبیعی بالنسبه کمتر^۱ (مدل IV) مورد برآورد قرار می‌گیرد. بنابراین در مجموع چهار معادله برآوردی خواهیم داشت.

جدول (۳): متغیرها، نحوه اندازه‌گیری و منابع داده‌ها

متغیر	نماد	شاخص و نحوه اندازه‌گیری	منبع
رشد اقتصادی	growth	تولید ناخالص داخلی سرانه (بر حسب دلار آمریکا و به قیمت‌های ثابت سال ۲۰۱۵)	WDI
نظامی‌سازی	militarization	شاخص جهانی نظامی‌سازی با مقیاس ۰-۱۰۰۰ (مقادیر بالاتر نشان‌دهنده نظامی‌سازی بیشتر است)	BICC
کیفیت نهادی	institutions	شاخص حکمرانی خوب با مقیاس ۰-۵ (مقادیر بالاتر نشان‌دهنده کیفیت نهادی بهتر است)	WGI
وفور منابع طبیعی	nat.res	سهم رانت منابع طبیعی از تولید ناخالص داخلی بر حسب درصد به اضافه عدد ۱	WDI
نرخ رشد جمعیت	population	نرخ رشد جمعیت نرمال‌شده بر حسب درصد	WDI
سرمایه انسانی	education	سهم مخارج دولت در آموزش از کل مخارج دولتی بر حسب درصد (شاخص آموزش)	WDI
سرمایه فیزیکی	inv/gdp	سهم تشکیل سرمایه ناخالص از تولید ناخالص داخلی بر حسب درصد	WDI
یاز بودن تجاری	open	سهم مجموع واردات و صادرات از تولید ناخالص داخلی بر حسب درصد	WDI
نرخ تورم	inflation	نرخ تورم نرمال‌شده بر حسب درصد	WDI

WDI: شاخص‌های توسعه جهانی متعلق به بانک جهانی

BICC: مرکز بین‌المللی گفت‌وگو بن

WGI: شاخص‌های حاکمیت جهانی متعلق به بانک جهانی

به‌منظور برآورد مدل پانل پویای این مطالعه از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) استفاده شده است. استفاده از این روش برای مدل‌های پانل پویا و زمانی که تعداد مقاطع بزرگ‌تر از طول

۱. ملاک این تقسیم‌بندی، مشابه با تقسیم‌بندی کشورهای مورد مطالعه از لحاظ کیفیت نهادی است.

بازه‌ی زمانی باشد، قابل توجیه است (بالتاجی^۱، ۲۰۰۵)؛ که در این پژوهش نیز این گونه است. در مدل‌های پانل پویا به دلیل حضور وقفه متغیر وابسته در سمت راست معادله به عنوان یک متغیر توضیحی، ضرایب برآوردی حاصل از روش OLS ناسازگار می‌باشند. برای حل این مشکل، آرلانو و باند^۲ (۱۹۹۱) روش GMM دو مرحله‌ای را پیشنهاد کرده‌اند. در این روش با تفاضل‌گیری از معادله برآوردی رابطه (۱) به صورت زیر:

$$\begin{aligned} \text{Ln(growth)}_{it} - \text{Ln(growth)}_{i,t-1} = \\ \alpha(\text{Ln(growth)}_{i,t-1} - \text{Ln(growth)}_{i,t-2}) + \theta_1(\text{Ln(militarization)}_{it} - \text{Ln(militarization)}_{i,t-1}) + \dots + (\epsilon_{it} - \epsilon_{i,t-1}) \end{aligned} \quad (11)$$

و با اعمال این دو فرض که الف) اجزاء خطا با یکدیگر همبستگی سریالی ندارند و ب) حالت‌های اولیه از پیش تعیین شده می‌باشند:

$$\begin{aligned} \text{a) } E[\epsilon_{it}, \epsilon_{is}] &= 0 \text{ for } i = 1, \dots, N \text{ \& } s \neq t \\ \text{b) } E[\text{Ln(growth)}_{it}, \epsilon_{it}] &= 0 \text{ for } i = 1, \dots, N \text{ \& } t \geq 2 \end{aligned} \quad (12)$$

محدودیت‌های گشتاوری زیر اعمال می‌شوند:

$$E[\text{Ln(growth)}_{it}, (\epsilon_{it} - \epsilon_{i,t-1})] = 0 \text{ for } i = 3, \dots, T \text{ \& } s \geq 2 \quad (13)$$

درواقع در روش GMM، ابتدا با تفاضل‌گیری، اثرات مقطعی (μ_i) از مدل برآوردی حذف و سپس با استفاده از پسماندهای باقی‌مانده در مرحله‌ی تفاضل‌گیری، ماتریس واریانس - کوواریانس متوازن می‌شود. به عبارت دیگر، روش GMM از طریق ایجاد متغیرهایی به نام متغیرهای ابزاری باعث می‌شود که برآوردهای سازگار و بدون تورش از ضرایب مدل داشته باشیم (بالتاجی، ۲۰۰۵: ۱۴۰).

با توجه به مفروضاتی که روش GMM بر اساس آن‌ها طراحی شده است، سازگاری این برآوردکننده به دو شرط عدم همبستگی سریالی اجزاء خطا و معتبر بودن ابزارها بستگی دارد که با استفاده از دو آزمون مورد بررسی قرار می‌گیرد. آزمون نخست، آزمون سارگان^۳ نام دارد که

1. Baltagi
2. Arellano & Bond
3. Sargan Test

اعتبار متغیرهای ابزاری را بررسی می‌کند. آماره این آزمون (J-Statistic)، از توزیع کای-دو با درجات آزادی برابر با تعداد محدودیت‌های بیش از حد برخوردار است. دومین آزمون، آزمون همبستگی سریالی^۱ است که به بررسی وجود همبستگی سریالی مرتبه دوم یا AR(2) در جملات خطای تفاضلی مرتبه اول می‌پردازد. بر اساس این آزمون، اگر همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات خطا از معادله تفاضلی مرتبه اول وجود نداشته باشد، برآوردگر GMM سازگار است (گرین^۲، ۲۰۱۰). عدم رد فرضیه صفر هر دو آزمون شواهدی را مبنی بر فرض عدم همبستگی سریالی و معتبر بودن ابزارها فراهم می‌کند. در این مقاله به منظور تجزیه و تحلیل‌های اقتصادسنجی از نرم‌افزار Eviews10.0 استفاده است.

۵. یافته‌های تجربی

اولین گام پیش از برآورد مدل در داده‌های پانل، انجام آزمون مانایی است. خلاصه نتایج آزمون مانایی ایم، پسران و شین (IPS) در جدول (۴) گزارش شده است. بر اساس نتایج این جدول و سطوح احتمال فرضیه صفر که نشان‌دهنده نامانایی متغیر مورد بررسی است، وجود متغیرهای نامانا در سطح (متغیرهای رشد اقتصادی، شاخص وفور منابع طبیعی و شاخص سرمایه انسانی که بعد از یک بار تفاضل‌گیری به صورت مانا درآمده‌اند)، در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید شده است.

جدول (۴): نتایج آزمون مانایی پانلی IPS

متغیر	آماره در سطح	سطح احتمال	آماره در تفاضل	سطح احتمال	درجه مانایی
Ln(growth)	-۱/۴۱۵*	۰/۰۷۹	-۸/۴۸۸***	۰/۰۰۰	I(1)
Ln(militarization)	-۱۰/۶۶۱***	۰/۰۰۰	-	-	I(0)

1. Serial Correlation Test
2. Green

ادامه جدول (۴): نتایج آزمون مانایی پانلی IPS

متغیر	آماره در سطح	سطح احتمال	آماره در تفاضل	سطح احتمال	درجه مانایی
Ln(institutions)	-۷/۲۶۴***	۰/۰۰۰	-	-	I(0)
Ln(mil) × Ln(ins)	-۱۲/۶۶۱***	۰/۰۰۰	-	-	I(0)
Ln(nat. res)	-۰/۸۲۲	۰/۲۰۸	-۵/۸۵۵***	۰/۰۰۰	I(1)
Ln(mil) × Ln(nat. res)	-۶/۱۹۲***	۰/۰۰۰	-	-	I(0)
Ln(population)	-۴/۶۶۱***	۰/۰۰۰	-	-	I(0)
Ln(education)	۰/۳۴۸	۰/۶۳۳	-۴/۲۱۸***	۰/۰۰۰	I(1)
Ln(inv/gdp)	-۶/۸۱۶***	۰/۰۰۰	-	-	I(0)
Ln(open)	-۱۲/۴۷۹***	۰/۰۰۰	-	-	I(0)
Ln(inflation)	-۱۸/۵۶۱***	۰/۰۰۰	-	-	I(0)

علائم **، * و * به ترتیب نشان‌دهنده معناداری در سطوح احتمال ۱، ۵ و ۱۰ درصد و اعداد داخل پرانتز بیانگر سطح احتمال فرضیه صفر می‌باشند.

مأخذ: محاسبات تحقیق با استفاده از نرم‌افزار Eviews10.0.

با توجه وجود متغیرهای ناماندا در مدل، به‌منظور جلوگیری از رگرسیون کاذب از آزمون هم‌انباشتگی پانلی کائو استفاده شده است. نتیجه آزمون هم‌انباشتگی کائو با استفاده از آماره ADF برای هر چهار مدل برآوردی، در قسمت الف جدول (۵) نشان داده شده است. بر این اساس و سطوح احتمال ارائه‌شده، فرضیه صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رد و وجود هم‌انباشتگی بین متغیرهای هر چهار مدل نتیجه‌گیری می‌شود. بنابراین، بدون نگرانی از بروز رگرسیون کاذب، می‌توان مدل‌ها را برآورد کرد.

قبل از برآورد مدل به روش GMM، به‌منظور اطمینان انتخاب بین روش‌های داده‌های پانل (ترکیبی) و داده‌های تلفیقی (پولینگ) از آماره F لیمر با درجه آزادی (N-1, NT-K-N) استفاده شده که K تعداد متغیرهای توضیحی لحاظ‌شده در مدل، N تعداد مقاطع و T دوره‌ی زمانی است.

فرضیه صفر این آزمون نشان دهنده آن است که هر یک از مقاطع عرض از مبدأهای یکسانی دارند (لزوم استفاده از داده‌های تلفیقی) و فرضیه مقابل اشاره به ناهمسانی عرض از مبدأهای هر یک از مقاطع دارد (لزوم استفاده از داده‌های پانل). نتایج آزمون F لیمر در قسمت ب جدول (۵) نشان داده شده است. با توجه به اینکه سطح احتمال آزمون F لیمر، در هر چهار مدل ۰/۰۰۰ به دست آمده است، فرضیه صفر مبنی بر قابلیت تخمین داده‌ها به شیوه تلفیقی پذیرفته نمی‌شود و لازم است که هر چهار مدل به روش داده‌های پانل (ترکیبی) برآورد شوند.

جدول (۵): نتایج آزمون هم‌انباشتگی و آزمون قابلیت برآورد مدل به صورت داده‌های پانل

قسمت الف: نتایج آزمون هم‌انباشتگی کائو								
مدل I		مدل II		مدل III		مدل IV		
مقدار	سطح	مقدار	سطح	مقدار	سطح	مقدار	سطح	آماره
آماره	احتمال	آماره	احتمال	آماره	احتمال	آماره	احتمال	
-۸/۵۱۸	۰/۰۰۰	-۴/۸۵۵	۰/۰۰۰	-۳/۷۷۵	۰/۰۰۰	-۳/۹۰۶	۰/۰۰۰	ADF
***		***		***		***		
قسمت ب: نتایج آزمون قابلیت برآورد مدل به صورت داده‌های پانل								
مدل I		مدل II		مدل III		مدل IV		
مقدار	سطح	مقدار	سطح	مقدار	سطح	مقدار	سطح	آماره
آماره	احتمال	آماره	احتمال	آماره	احتمال	آماره	احتمال	
۲۴/۱۴۷	۰/۰۰۰	۲۸/۵۵۱	۰/۰۰۰	۲۹/۹۱۲	۰/۰۰۰	۳۲/۲۱۸	۰/۰۰۰	F

علائم **، * و * به ترتیب نشان‌دهنده معناداری در سطوح احتمال ۱، ۵ و ۱۰ درصد می‌باشند.

مأخذ: محاسبات تحقیق با استفاده از نرم‌افزار Eviews10.0.

نتایج برآورد مدل‌های تحقیق به روش GMM، در جدول (۶) آمده است. بر اساس این نتایج، علامت ضرایب برآوردی با توجه به مبانی نظری و مطالعات تجربی، انتظار ما را در برآورد رابطه بلندمدت تأمین می‌کند. سطوح احتمال ضرایب برآوردی نیز نشان می‌دهد که کلیه ضرایب به جز ضریب متغیر نرخ رشد جمعیت، حداقل در سطح اطمینان ۹۰ درصد معنادارند. همچنین، تمام متغیرهای کنترل در هر چهار مدل برآوردی از ثبات علامت برخوردارند. آزمون‌های تشخیصی

مدل‌ها در قسمت پائین جدول (۶) نشان می‌دهد که مقدار آماره و سطح احتمال آزمون سارگان، فرضیه صفر مبنی بر عدم همبسته بودن پسماندها با متغیرهای ابزاری را رد نمی‌کند و برآوردکننده GMM در هر چهار مدل سازگار است. همچنین، در هر چهار مدل برآوردی، فرضیه صفر مبنی بر عدم خودهمبستگی درجه اول تفاضل مرتبه‌ی اول جملات اختلال را می‌توان، اما فرضیه‌ی صفر مبنی بر عدم خودهمبستگی سریالی درجه دوم تفاضل جملات اختلال را نمی‌توان رد کرد. بنابراین در مدل‌های تحقیق تورش تصریح وجود ندارد و شرایط گشتاوری به‌منظور انجام آزمون خودهمبستگی مناسب است. بر این اساس، نتایج ضرایب برآوردشده هر چهار مدل تحقیق از نظر آماری تأیید شده و قابل تفسیر می‌باشند.

جدول (۶): نتایج برآورد مدل‌های تحقیق به روش GMM

متغیر	مدل I		مدل II		مدل III		مدل IV	
	ضریب برآوردی	سطح احتمال	ضریب برآوردی	سطح احتمال	ضریب برآوردی	سطح احتمال	ضریب برآوردی	سطح احتمال
$\text{Ln}(\text{growth})_{-1}$	***۰/۱۵۵	۰/۰۰۰	***۰/۱۴۱	۰/۰۰۰	***۰/۱۸۱	۰/۰۰۰	***۰/۱۷۸	۰/۰۰۰
$\text{Ln}(\text{militarization})$	-۰/۰۴۴ ***	۰/۰۰۰	-۰/۰۶۸ ***	۰/۰۰۰	-۰/۰۳۶ ***	۰/۰۰۰	***-۰/۰۳۹	۰/۰۰۰
$\text{Ln}(\text{institutions})$	***۰/۰۸۸	۰/۰۰۵	***۰/۱۱۲	۰/۰۰۰	-	-	-	-
$\text{Ln}(\text{institutions})^{\text{highnat}}$	-	-	-	-	-	-	***۰/۰۶۱	۰/۰۰۰
$\text{Ln}(\text{institutions})^{\text{lownat}}$	-	-	-	-	-	-	***۰/۰۹۹	۰/۰۰۰
$\text{Ln}(\text{mil}) \times \text{Ln}(\text{ins})$	-	-	***۰/۰۴۵	۰/۰۰۰	-	-	-	-
$\text{Ln}(\text{mil}) \times \text{Ln}(\text{ins})^{\text{highnat}}$	-	-	-	-	-	-	***۰/۰۲۸	۰/۰۰۰
$\text{Ln}(\text{mil}) \times \text{Ln}(\text{ins})^{\text{lownat}}$	-	-	-	-	-	-	***۰/۰۴۹	۰/۰۰۰
$\text{Ln}(\text{nat. res})$	**۰/۰۲۱	۰/۰۱۸	**۰/۰۱۵	۰/۰۳۹	-	-	-	-
$\text{Ln}(\text{nat. res})^{\text{highins}}$	-	-	-	-	**۰/۰۶۱	۰/۰۱۱	-	-
$\text{Ln}(\text{nat. res})^{\text{lowins}}$	-	-	-	-	*-۰/۰۲۴	۰/۰۷۸	-	-
$\text{Ln}(\text{mil}) \times \text{Ln}(\text{nat. res})$	-	-	**۰/۰۱۸	۰/۰۲۵	-	-	-	-
$\text{Ln}(\text{mil}) \times \text{Ln}(\text{nat. res})^{\text{highins}}$	-	-	-	-	-	۰/۰۰۰	***۰/۰۰۹	-
$\text{Ln}(\text{mil}) \times \text{Ln}(\text{nat. res})^{\text{lowins}}$	-	-	-	-	-	-	**۰/۰۰۴	۰/۰۲۲
$\text{Ln}(\text{population})$	-۰/۱۱۵	۰/۲۹۱	-۰/۱۶۸	۰/۴۱۵	-۰/۱۸۱	۰/۵۵۱	-۰/۲۱۱	۰/۳۹۱
$\text{Ln}(\text{education})$	***۰/۰۶۱	۰/۰۰۰	***۰/۰۵۸	۰/۰۰۰	***۰/۰۵۸	۰/۰۰۰	***۰/۰۵۹	۰/۰۰۰
$\text{Ln}(\text{inv/gdp})$	***۰/۲۸۸	۰/۰۰۰	***۰/۳۰۱	۰/۰۰۰	***۰/۳۲۹	۰/۰۰۰	***۰/۳۴۱	۰/۰۰۰
$\text{Ln}(\text{open})$	**۰/۰۱۱	۰/۰۴۱	**۰/۰۰۹	۰/۰۱۷	*۰/۰۱۲	۰/۰۵۵	*۰/۰۱۱	۰/۰۹۱

جدول (۶): نتایج برآورد مدل‌های تحقیق به روش GMM

متغیر	مدل I		مدل II		مدل III		مدل IV	
	ضریب برآوردی احتمال	سطح	ضریب برآوردی احتمال	سطح	ضریب برآوردی احتمال	سطح	ضریب برآوردی احتمال	سطح
Ln(inflation)	-۰/۰۰۴ ***	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۶ ***	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۴ ***	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۴ ***	۰/۰۰۰
آزمون‌های تشخیصی								
نام آزمون	ارزش احتمال (p-values)							
Sargan Test	۰/۷۵۲	۰/۶۱۵	۰/۵۱۱	۰/۵۵۸				
Arellano-Bond Test for AR(1)	۰/۰۰۰	۰/۰۱۵	۰/۰۲۶	۰/۰۲۱				
Arellano-Bond Test for AR(2)	۰/۶۵۵	۰/۵۰۱	۰/۷۲۵	۰/۷۰۵				

علائم **، * و * به ترتیب نشان‌دهنده معناداری در سطوح احتمال ۱، ۵ و ۱۰ درصد می‌باشند.

مأخذ: محاسبات تحقیق با استفاده از نرم‌افزار Eviews10.0.

بر اساس ضرایب برآوردی مدل I و در غیاب اثرات تعاملی، تأثیر شاخص نظامی‌سازی و شاخص کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی به ترتیب منفی و مثبت و در سطح اطمینان بالایی معنادارند. بر این اساس، یک درصد افزایش در شاخص‌های نظامی‌سازی و کیفیت نهادی، در بلندمدت، با فرض ثبات سایر متغیرها، رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه را به ترتیب، ۰/۰۴۴ درصد کاهش و ۰/۰۸۸ درصد افزایش خواهد داد؛ که مطابق با انتظار و مبانی نظری ارائه شده است. تأثیر شاخص وفور منابع طبیعی نیز بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه مثبت و معنادار است؛ اما از لحاظ عددی چندان قابل توجه نیست (حدود ۰/۰۲). این نتیجه می‌تواند به نحوه‌ی ضعیف استفاده و مدیریت این منابع در کشورهای مورد بررسی برگردد؛ که در معادله برآوردی III، اثر بهبود مدیریت منابع طبیعی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه با تفکیک این کشورها به دو دسته با کیفیت نهادی بالنسبه بهتر و ضعیف‌تر بررسی می‌شود. رشد جمعیت اثر منفی، اما غیر معنادار بر رشد اقتصادی داشته است؛ علی‌رغم آنکه جمعیت و نیروی کار به‌عنوان یکی از نهاده‌های اصلی در تابع تولید معرفی می‌شود، اما در کشورهای در حال توسعه افزایش نرخ رشد جمعیت، با کاهش سرمایه سرانه می‌تواند موجب کاهش بهره‌وری نیروی کار شود. در مورد شاخص‌های سرمایه‌گذاری فیزیکی و سرمایه‌گذاری انسانی می‌توان گفت که این دو متغیر بر

اساس انتظار به عنوان فزاینده رشد اقتصادی در کشورهای مورد بررسی رفتار می کنند. یک درصد افزایش در سهم تشکیل سرمایه ناخالص از GDP و متوسط سال های تحصیل افراد بالای ۲۵ سال، در بلندمدت، با فرض ثبات سایر متغیرها، رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه را به ترتیب، ۰/۲۸۸ درصد کاهش و ۰/۰۶۱ درصد افزایش می دهد. اثر شاخص درجه باز بودن تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی، مثبت و معنادار، اما از لحاظ عددی کوچک است. مشکل کشورهای در حال توسعه وجود شکاف فناوری با کشورهای توسعه یافته است و تا این مشکل از درون اقتصاد حل نشود، به نظر نمی رسد تجارت بتواند موجب تحول و رشد اقتصادی قابل توجه کشورهای در حال توسعه شود. تورم نیز به دلیل افزایش بی ثباتی جامعه مطابق انتظار تأثیر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه داشته است.

بر اساس ضرایب برآوردی مدل II و در حضور اثرات تعاملی، همانند مدل I، تأثیر شاخص های نظامی سازی، کیفیت نهادی و وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی به ترتیب منفی، مثبت و مثبت و در سطح اطمینان ۹۵ معنادارند. همچنین، نوع تأثیر (مثبت و یا منفی) متغیرهای کنترل مؤثر بر رشد اقتصادی، همانند مدل برآوردی I است. طبق ضرایب برآوردی مدل II، اثر تعاملی شاخص نظامی سازی و شاخص وفور منابع طبیعی و همچنین، اثر تعاملی شاخص نظامی سازی و شاخص کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی، مثبت و معنادار است. این نتایج تأیید کننده فرضیه های اول و دوم این تحقیق است و نشان می دهد که نظامی سازی در حضور وفور منابع طبیعی و نهادهای با کیفیت می تواند به طور غیرمستقیم رشد اقتصادی را در کشورهای در حال توسعه افزایش دهد و قسمتی از اثر منفی مستقیم نظامی سازی را جبران کند و در نتیجه مسئله نظامی سازی را از لحاظ اقتصادی تا حدودی توجیه پذیرتر کنند. نتیجه به دست آمده هم سو با نتایج مطالعات کمپتون و پترسون (۲۰۱۶)، موسایف (۲۰۱۶) و آنیوفوسه (۲۰۱۹) است.

مدل III اثر تعاملی نظامی سازی و وفور منابع طبیعی را با تفکیک کشورهای مورد مطالعه به دو دسته با کیفیت نهادی بالنسبه بهتر و ضعیف تر نشان می دهد. بر این اساس، اثر رانت منابع طبیعی

بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه با نهادهای ضعیف‌تر، منفی و معنادار و این اثر برای کشورهای در حال توسعه با نهادهای بالنسبه قوی‌تر، مثبت و معنادار است. این نتیجه تأیید کننده فرضیه نفرین منابع طبیعی برای کشورهای در حال توسعه با نهادهای ضعیف‌تر و برای کشورهای در حال توسعه با نهادهای بالنسبه قوی‌تر نشان دهنده این موضوع است که کیفیت نهادی قوی‌تر، نفرین منابع را به موهبت منابع تبدیل می‌کند. در کشورهای در حال توسعه با نهادهای ضعیف‌تر، به دلیل ساختار اقتصادی نامناسب حاکم بر این کشورها، از وفور منابع طبیعی استفاده کارآمد نشده و وفور منابع سبب بروز انحرافات خاص در اقتصاد و در نتیجه از کانال‌های مختلف موجب کندی رشد اقتصاد شده است. اثر متقاطع نظامی سازی و وفور منابع طبیعی در کشورهای در حال توسعه با نهادهای بالنسبه قوی‌تر، مثبت و در سطح اطمینان بالایی معنادار است؛ اما این اثر برای کشورهای در حال توسعه با نهادهای بالنسبه ضعیف‌تر، منفی و در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. این نتایج تأیید کننده فرضیه سوم این تحقیق است و نشان می‌دهد که در کشورهای در حال توسعه با نهادهای بالنسبه قوی‌تر، نظامی سازی در حضور وفور منابع طبیعی، منجر به رشد اقتصادی می‌شود. در مقابل، در کشورهای در حال توسعه با نهادهای بالنسبه ضعیف‌تر، نظامی سازی در حضور وفور منابع طبیعی به دلیل فعالیت‌های فسادزا و افزایش هزینه‌های نظامی بیهوده، رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد.

مدل IV اثر تعاملی نظامی سازی و کیفیت نهادی را با تفکیک کشورهای مورد مطالعه به دو دسته با رانت منابع طبیعی بالنسبه بیشتر و کمتر نشان می‌دهد. بر این اساس، اثر کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی هر دو گروه از کشورهای در حال توسعه با رانت منابع طبیعی بالنسبه بیشتر و کمتر، مثبت و معنادار است. به گونه‌ای که با افزایش یک درصدی در شاخص کیفیت نهادی در بلندمدت، با فرض ثبات سایر متغیرها، رشد اقتصادی در کشورهای با رانت منابع طبیعی بالنسبه بیشتر و کمتر به ترتیب ۰/۰۶۱ و ۰/۰۹۹ درصد افزایش می‌یابد. همچنین، اثر متقاطع نظامی سازی و کیفیت نهادی در هر دو گروه از کشورهای در حال توسعه با رانت منابع طبیعی مختلف، مثبت و در سطح اطمینان بالایی معنادار است؛ اما این اثر (همانند کیفیت نهادی) برای کشورهای در حال توسعه با رانت منابع

طبیعی بالنسبه بیشتر، کوچک تر است. این نتیجه تأیید کننده فرضیه چهارم این تحقیق است و در توجیه آن می توان گفت که در کشورهای در حال توسعه با فراوانی منابع طبیعی، به دلیل عدم مدیریت و کنترل صحیح درآمدهای حاصل از فروش این منابع، این درآمدها از کانالهای مختلفی به کیفیت نهادی آسیب وارد می کنند و موجب تضعیف کیفیت نهادی در این کشورها می شود. این امر سبب کاهش اثرگذاری مثبت کیفیت نهادی و همچنین کاهش اثرگذاری مثبت نظامی سازی در حضور کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی می شود.

۶. جمع بندی و نتیجه گیری

در راستای بررسی نقش کیفیت نهادی و وفور منابع طبیعی در رابطه نظامی سازی و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، در این مطالعه روش هم انباشتگی پانلی و برآورد گر گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) به کار گرفته شد. به این منظور از متغیرهای تولید ناخالص داخلی سرانه (شاخص رشد اقتصادی و متغیر وابسته)، شاخص نظامی سازی، شاخص کیفیت نهادی، وفور منابع طبیعی و اثرات تعاملی نظامی سازی با شاخص های کیفیت نهادی و وفور منابع طبیعی (متغیرهای مستقل)، رشد جمعیت، سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی، درجه باز بودن تجاری و نرخ تورم (متغیرهای کنترل) و داده های آماری سال های ۲۰۱۸-۲۰۰۰ استفاده شده است. نتایج آزمون ریشه واحد ایم، پسران و شین (IPS) برای متغیرهای مدل حاکی از آن است که برخی از متغیرهای مدل $I(1)$ و از درجه انباشتگی واحد برخوردارند. همچنین بر اساس آزمون هم انباشتگی کائو، وجود بردار هم انباشتگی و رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل تأیید شده است. نتایج تجربی نشان می دهد که اثر نظامی سازی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه، منفی و معنادار است؛ اما اثر تعاملی کیفیت نهادی و نظامی سازی و همچنین اثر تعاملی وفور منابع طبیعی و نظامی سازی بر رشد اقتصادی این کشورها مثبت و معنادار است. به این معنا که نظامی سازی در کشورهای مورد مطالعه از کانال نهادهای خوب و فراوانی منابع طبیعی، می تواند رشد اقتصادی را افزایش دهد. همچنین، با تفکیک کشورهای مورد مطالعه به دو دسته کشورها با نهادهای بالنسبه بهتر و ضعیف تر، نشان داده شده است که نظامی سازی از کانال فراوانی منابع طبیعی، رشد اقتصادی را در کشورهای با

نهادهای بهتر، افزایش می‌دهد؛ درحالی‌که نظامی‌سازی از کانال فراوانی منابع طبیعی، اثر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای با نهادهای ضعیف‌تر داشته است. علاوه بر این، اثر رانت حاصل از منابع طبیعی بر رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه با نهادهای ضعیف‌تر، منفی و معنادار (تأیید فرضیه نفرین منابع طبیعی برای کشورهای درحال توسعه با نهادهای ضعیف‌تر) و این اثر برای کشورهای درحال توسعه با نهادهای بالنسبه قوی‌تر، مثبت و معنادار است. اثر کیفیت نهادی نیز بر رشد اقتصادی هر دو گروه از کشورهای درحال توسعه با رانت منابع طبیعی بالنسبه بیشتر و کمتر، مثبت و معنادار و این اثر برای کشورهای درحال توسعه با رانت منابع طبیعی بالنسبه بیشتر، از لحاظ عددی کوچک‌تر است.

با توجه به نتایج اصلی این تحقیق مبنی بر تأثیر منفی نظامی‌سازی بر رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه و تأثیر مثبت نظامی‌سازی در حضور نهادهای باکیفیت و وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی در این کشورها و همچنین، تأیید فرضیه نفرین منابع طبیعی و اثر منفی نظامی‌سازی بر رشد اقتصادی از کانال وفور منابع طبیعی در کشورهای درحال توسعه با نهادهای ضعیف‌تر، مهم‌ترین توصیه سیاستی آن است که کشورهای درحال توسعه بالأخص کشورهای با نهادهای ضعیف‌تر، به اصلاحات نهادی در بخش‌های مختلف پردازند و از این طریق، الگوی مدیریت درآمدهای ناشی از فروش منابع طبیعی را نیز اصلاح کنند. تحت چنین شرایطی می‌توان از آثار اقتصادی مثبت فراوانی منابع طبیعی و همچنین آثار غیرمستقیم مثبت نظامی‌سازی از کانال‌های نهادهای خوب و وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی بیشتر بهره‌مند شد.

منابع

- احمدپور کچو، علی، دهمرده، نظر (۱۳۹۸). اثر توسعه مالی و کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی. *اقتصاد و توسعه منطقه‌ای*، ۲۶(۱۷)، ۶۲-۳۳.
- ایزدخواستی، حجت، تیموری، حبیب‌الله (۱۳۹۸). معمای امنیت، هزینه‌های دفاعی و رشد اقتصادی با در نظر گرفتن بدهی خارجی در کشورهای منا: رویکرد پانل دیتای همزمان. *فصلنامه اقتصاد مقداری*، ۱۶(۱)، ۹۹-۱۲۶.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل، صادقی، حامد (۱۳۹۲). مقایسه‌ی اثر وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی ایران و نروژ. *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، ۷(۲۲)، ۴۳-۲۱.
- فطرس، محمدحسن، گل‌خندان، ابوالقاسم (۱۳۹۶). آزمون فرضیه اسلحه و (یا) رفاه در کشورهای با درآمد بالا، متوسط و پائین. *علوم و فنون نظامی*، ۱۳(۴۲)، ۲۹-۵.
- گل‌خندان، ابوالقاسم (۱۳۹۷). تأثیر دموکراسی بر هزینه‌های نظامی در کشورهای اسلامی: رهیافت اقتصادسنجی فضایی. *اقتصاد کاربردی*، ۸(۲۶)، ۶۱-۴۹.
- گل‌خندان، ابوالقاسم (۱۳۹۸). مخارج دفاعی، تهدیدات خارجی و رشد اقتصادی: مطالعه تجربی ایران. *علوم و فنون نظامی*، ۱۵(۴۸)، ۶۹-۴۱.
- گل‌خندان، ابوالقاسم، خوانساری، مجتبی، گل‌خندان، داود (۱۳۹۴). نظامی‌گری و رشد اقتصادی: شواهدی تجربی از کشورهای منطقه منا در قالب الگوی پانل پویا. *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۵(۱۸)، ۳۱-۵۰.
- گل‌خندان، ابوالقاسم، صحرانی، سمیه (۱۳۹۹). تأثیر فساد بر تخصیص مخارج عمومی به بخش دفاعی در ایران. *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۸(۲۹)، ۱۶۵-۱۴۴.
- گل‌خندان، ابوالقاسم، بابایی آخ‌اسمعیلی، مجید (۱۳۹۶). تأثیر هزینه‌های نظامی بر نابرابری درآمد در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) با تأکید بر نقش فساد. *علوم و فنون نظامی*، ۱۳(۴۱)، ۸۷-۱۱۰.
- ندیری، محمد، محمدی، تیمور (۱۳۹۰). بررسی تأثیر ساختارهای نهادی بر رشد اقتصادی با روش GMM داده‌های تابلویی پویا. *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، ۵(۱۵)، ۲۴-۱.

- Aizenman, J. & Glick, R. (2006). Military Expenditure, Threats and Growth. *The Journal of International Trade & Economic Development*, 15(2), 129-155.
- Ali, H.E., & Abdellatif, O.A. (2015). Military Expenditure and Natural Resources: Evidence from Rentier States in the Middle East and North Africa. *Defence and Peace Economics*, 26 (1), 5-13.
- Anifowose, O.L. (2019). Military Expenditure and Institutional Quality on Brics Countries Inclusive Growth Based on World Bank Income Classification. *Acta Universitatis Danubius. OEconomica*, Danubius University of Galati, issue 15(3), 20-39.
- Arezki, R. & Brueckner, M. (2021). Natural Resources and Civil Conflict: The Role of Military Expenditures, *J. Risk Financial Manag*, 14(12), 1-26.
- Arellano, M. & Bond, S. (1991). Some Test of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and Application to Employment Equations. *Review of Economic Studies*, 58, 277-297.
- Aziz, M.N. & Asadullah, N. (2016). Military Spending Armed Conflict and Economic Growth in Developing Countries in the Post-Cold War Era. 9618, Discussion Papers 2016-03, University of Nottingham, CREDIT.
- Aziz, M.N. & Khalid, U. (2017). Armed Conflict, Military Expenses and FDI Inflow to Developing Countries, *Defence and Peace Economics*, DOI:10.1080/10242694.2017.1388066
- Auty, R.M. (1993). Sustaining Development in Mineral Economies: The Resource Curse Thesis, *Resources Policy*, 20(1), 77-87.
- Auty, R. (2004). Natural Resources and Civil Strife: A Two-stage Process. *Geopolitics*, 9, 29-49.
- Baltagi, B. (2005). *Econometric Analysis of Panel Data*. John Wiley & Sons Ltd.
- Bannon, I. & Collier, P. (2003). Natural Resources and Conflict: What can we do? In Natural Resources and Violent Conflict. Edited by I. Bannon and P. Collier. Washington DC: World Bank, 1-16.
- Barro, R. (1990). Government Spending in a Simple Model of Endogenous Growth. *Journal of Political Economy*, 9(5), 103-125.
- Bauwens, M.A. (2012). Master in Economic Development and Growth Guns versus Butter: A Budgetary Trade-Off in the MENA Region? Master in Economic Development and Growth, Lund University, School of Economics and Management.
- Benoit, E. (1973). Defense and Economic Growth in Developing Countries. Boston, MA: Health and CO, Lexington Books.
- Benoit, E. (1978). Growth and defense in developing countries. *Economic Development and Cultural Change*, 26, 271-280.
- Biscione, A. & Caruso, R. (2021). Military Expenditures and Income Inequality Evidence from a Panel of Transition Countries (1990-2015). *Defence and Peace Economics*, 32, 46-67.
- Brauner, J. (2015). Military Spending and Democracy. *Defense and Peace Economics*, 26(4), 409-423.

- Brunnschweiler, C.N. & Bulte, E.H. (2009). Natural Resources and Violent Conflict: Resource Abundance, Dependence, and the Onset of Civil Wars. *Oxford Economic Papers*, 61, 651–674.
- Collier, P. & Hoeffler, A. (1998). On Economic Causes of Civil War. *Oxford Economic Papers*, 50, 563–573
- Collier, P. & Hoeffler, A. (2005). Resource Rents, Governance and Conflict. *Journal of Conflict Resolution*, 49, 625–633.
- Compton, R. & Paterson, B. (2016). Military Spending and Growth: The Role of Institutions. *Defence and Peace Economics*, 27, 301–322.
- D'Agostino, G., Dunne, J.P. & Pironi, L. (2012). Corruption, Military Spending and Growth. *Defence and Peace Economics*, 23, 591–604.
- Desli, E. & Gkoulgkoutsika, A. (2021). "Military Spending and Economic Growth: A Panel Data Investigation. *Economic Change and Restructuring*, 54(3), 781–806.
- De soysa, I. (2002). Paradise is a Bazaar? Greed, Creed, and Governance in Civil War, 1989–99. *Journal of Peace Research*, 39, 395–416.
- De soysa, I. & Neumayer, E. (2007). Resource Wealth and the Risk of Civil War Onset: Results from a New Dataset of Natural Resource Rents, 1970–1999. *Conflict Management and Peace Science*, 24, 201–218.
- Dimitraki, O. & Kartsaklas, A. (2018). Sovereign Debt, Deficits and Defense Spending: The Case of Greece. *Defence and Peace Economics*, 29(6), 712–727.
- Dunne, J.P. & Tian, N. (2015). Military Expenditure, Economic Growth and Heterogeneity. *Defence and Peace Economics*, 26 (1), 15–31.
- Dunning, T. (2005). Resource Dependence, Economic Performance and Political Stability. *Journal of Conflict Resolution*, 49, 451–482.
- Fan, H., Liu, W. & Coyte, P. C. (2017). Do Military Expenditures Crowd-Out Health Expenditures? Evidence from around the World, 2000–2013. *Defence and Peace Economy*, 29(7), 766–79.
- Fearon, J. (2005). Primary Commodity Exports and Civil War. *Journal of Conflict Resolution*, 49, 483–507.
- Grebe, J. (2011). The Global Militarization Index (GMI). Bonn International Centre for Conversion (BICC), *Occasional Paper*, 7, 1–18.
- Green, W. H. (2010). *Econometric Analysis*. 7th ed, New Jersey, Upper Saddle River: Pearson International.
- Hashem, E.A. (2014). The Effects of Corruption on Government Expenditures: Arab Countries Experience, *Journal of Economics and Sustainable Development*, 5(4), 1–23.
- Homer-Dixon, T.F. (1999). *Environment, Scarcity and Violence*. Princeton: Princeton University Press.
- IPB. (2012). *Opportunity Costs: Military Spending and the UN's Development Agenda*. Geneva: International Peace Bureau.
- Im, K.S., Pesaran, M.H. & Shin, Y. (2003). Testing for Unit Roots in Heterogeneous Panels. *Journal of Econometrics*, 115, 53–74.

- Jajkowicz, O. & Drobiszová, A. (2015). The Effect of Corruption on Government Expenditure Allocation in OECD Countries, *Acta Universitatis Agriculturae ET Silviculturae Mendelianae Brunensis*, 63(4), 1251-1259
- Kao, C. (1999). Spurious Regression and Residual-Based Tests for Co-integration in Panel Data. *Journal of Econometrics*, 90, 1- 44.
- Khan, L., Arif, I. & Waqar, S. (2021). The Impact of Military Expenditure on External Debt: The Case of 35 Arms Importing Countries. *Defence and peace economics*, 32, 588-599.
- Lanrui, L., Rahman, Z.U., Khattak, S.I & Hassan, M.M. (2022). Asymmetric Effect of Military Expenditures on Economic Growth in Pakistan: A Nonlinear-ARDL Approach. *Journal General Track*, 33(3). DOI: <https://doi.org/10.5755/j01.ee.33.3.2898>.
- Lujala, P. (2010). The Spoils of Nature: Armed Civil Conflict and Rebel Access to Natural Resources. *Journal of Peace Research*, 47(1), 15-28.
- Meng, B. & Lucyshyn, W. & Li, X. (2015). Defense Expenditure and Income Inequality: Evidence on Cointegration and Causality for China. *Defence and Peace Economics*, 26, 327-339.
- Menla Ali, F. & Dimitraki, O. (2014). Military Spending and Economic Growth in China: A Regime Switching Analysis. *Applied Economics*, 46, 3408-3420.
- Musayev, V. (2015). Externalities in Military Spending and Growth: The Role of Natural Resources as a Channel through Conflict, *Defence and Peace Economics*, DOI:10.1080/10242694.2014.994833.
- Perlo-Freeman, S. & Brauner, J. (2012). Natural Resources and Military Expenditure: The Case of Algeria. *The Economics of Peace and Security Journal*, 7(1), 15-21.
- Ron, J. (2005). Paradigm in Distress: Primary Commodities and Civil War. *Journal of Conflict Resolution*, 49, 443-450.
- Ross, M.L. (2004). How Do Natural Resources Influence Civil War? Evidence from 13 Cases. *International Organizations*, 58, 35-68.
- Ross, M.L. (2006). A Closer Look at Oil, Diamonds, and Civil War. *Annual Review of Political Science*, 9, 265-300.
- Rosser, A. (2006). The Political Economy of the Resource Curse: A Literature Survey. IDS Working Paper 268, Brighton: Institute of Development Studies.
- Sandler, T. & Hertley, K. (1995). *The Economics of Defense*. Cambridge surveys of Economic Literature, Cambridge University Press.
- Santamaría G.P.; García A.A. & González, C.T (2021). A Tale of Five Stories: Defence Spending and Economic Growth in NATO's Countries. *PLoS ONE*, 16(1), e0245260. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0245260>
- Wolde-Rufael, M. (2015). Military Expenditure and Income Distribution in South Korea. *Defence and Peace Economics*, 27, 571-581.
- Yang, A.F., Trumbull, W.N., Yang, C.W & Huang, B. (2011). On the Relationship between Military Expenditure, Threat, and Economic Growth: A Nonlinear Approach. *Defence and Peace Economics*, 22, 449-457.

- Yildirim, A., Gokalp, M. (2015). Institutions and Economic Performance: A Review on the Developing Countries. Istanbul Conference of Economics and Finance. Istanbul. Turkey. Elsevier Science, *Procedia Economics and Finance*, 38: 347 – 359.
- Yildirim, J., Ocal, N. & Keskin, H. (2011). Military Expenditure, Economic Growth and Spatial Spillovers: A Global Perspective. *International Conferencre on Applied Economics*, 811-821.
- Zhao, L., Zhao, L. & Chen, B.-F. (2015). The Interrelationship between Defence Spending, Public Expenditures and Economic Growth: Evidence from China. *Defence and Peace Economics*, 1-16.

پیوست‌ها

جدول (۱): لیست کشورهای در حال توسعه مورد مطالعه

آلبانی	بلغارستان	السالوادور	قرقیزستان	موزامبیک	رواندا	اوکراین
الجزایر	بروندی	جمهوری دومینیک	مالاوی	نپال	سیرالئون	ونزوئلا
آرژانتین	آفریقای مرکزی	اکوادور	لیبی	نامیبیا	آفریقای جنوبی	زیمبابوه
بنگلادش	کامرون	غنا	مالزی	نیکاراگوئه	سریلانکا	بلاروس
مولداوی	کامبوج	گامبیا	مالی	پاکستان	عمان	کاستاریکا
بلیز	روسیه	گینه	موریس	گواتمالا	سوریه	لسوتو
بولیوی	کلمبیا	هند	موریتانی	پاراگوئه	تانزانیا	شیلی
بنین	جمهوری کنگو	اندونزی	مکزیک	فیلیپین	تایلند	نیجریه
ایران	ساحل عاج	کنیا	مولداوی	پرو	تونس	اروگوئه
بوتسوانا	کوبا	اردن	مغولستان	رومانی	ترکیه	پاناما
برزیل	مصر	قزاقستان	مراکش	سنگال	اوگاندا	

جدول (۲): آمارهای توصیفی داده‌های خام متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	مینیمم	ماکسیمم
تولید ناخالص داخلی سرانه (بر حسب دلار آمریکا و به قیمت‌های ثابت سال ۲۰۱۵)	۴۱۶۳/۱۰۶	۳۸۸۰/۰۱۵	۲۶۹/۱۰۹	۲۲۸۷۹/۵۱۱
شاخص جهانی نظامی‌سازی با مقیاس ۱۰۰۰-۰	۱۸۴/۴۱۲	۹۲/۳۶۵	۱۲/۲۳۷	۴۸۳/۳۳۷
سهم رانت کل منابع طبیعی از GDP (بر حسب درصد)	۷/۸۵۸	۱۰/۴۴۷	۰/۰۰۰	۶۷/۸۸۹
شاخص حکمرانی خوب با مقیاس ۲/۵- تا ۲/۵+	-۰/۵۸۶	۰/۳۶۶	-۱/۹۹۰	۱/۱۸۰
نرخ رشد جمعیت (بر حسب درصد)	۱/۵۹۸	۱/۲۹۳	-۶/۸۵۲	۱۱/۷۹۴
سهم مخارج دولت در آموزش از کل مخارج دولتی (بر حسب درصد)	۱۶/۳۱۱	۴/۸۱۸	۴/۹۵۷	۳۷/۵۲۱

ادامه جدول (۲): آماره‌های توصیفی داده‌های خام متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	مینیمم	ماکسیمم
سهم تشکیل سرمایه ناخالص از GDP (بر حسب درصد)	۲۳/۶۹۱	۸/۴۱۹	۱/۰۹۶	۷۹/۴۰۱
سهم تجارت از GDP (بر حسب درصد)	۷۲/۹۰۷	۳۲/۶۲۳	۲۰/۷۲۲	۲۲۰/۴۰۷
نرخ تورم (بر اساس شاخص ضمنی GDP و بر حسب درصد)	۸/۶۹۳	۱۳/۱۵۵	-۲۵/۱۲۸	۲۰۰/۷۶۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق با استفاده از داده‌های WDI، WGI و BICC.

فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی